مطالعات تاریخ اسلام
سال شانزدهم، شمارهٔ ۶۳، زمستان ۱۴۰۳، مقالهٔ علمی- پژوهشی، صفحات ۵۷-۹۴

شهر کهن قصرشیرین؛
بازشناسی ساختار کالبدی و جایگاه تاریخی و ارتباطی آن در دوران ساسانی و اسلامی

یداله حیدری باباکمال[۱]

چکیده: قصرشیرین در اواخر دوره ساسانی با مجموعه‌ای مهم از بناهای سلطنتی، مذهبی، عام‌المنفعه و تدافعی شکل گرفت. در کنار کارکرد ارتباطی و تجاری قصرشیرین، شناخت عوامل شکل‌دهنده به شهر و بررسی ویژگی‌های آنها در دوره ساسانی و اسلامی اهمیت می‌یابد. بنابراین مسئله اصلی پژوهش، مطالعهٔ ساختار فضایی شهر قصرشیرین در دوره ساسانی، تداوم حیات آن در دوران اسلامی و بررسی عوامل مؤثر در پویایی شهر از اواخر دوره ساسانی تا دوره قاجار است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ساختار کالبدی شهر در دوره اسلامی از الگوی سازمان‌یافته شهرهای ساسانی تبعیت می‌کند. عناصر سازنده شهر شامل ارگ سلطنتی، آتشکده، محل رسمی و اداری، خندق؟ و برج و بارو بوده که با تغییراتی در دوران اسلامی تداوم می‌یابند. در قرون متأخر اسلامی، حیات شهر تحت تأثیر چالش‌های دولت‌های صفوی و قاجار با دولت عثمانی قرار گرفت که در آن «عتبات عالیات» و مسیر منتهی به آن، عنصر اصلی مناسبات بین دو کشور محسوب می‌شد.

واژه‌های کلیدی: قصرشیرین، جاده خراسان بزرگ، ساختار کالبدی، دوره ساسانی، دولت‌های عثمانی و قاجار، روابط سیاسی- تجاری.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-08]

[DOI: 10.22034/16.63.3]

10.22034/16.63.3

۱ استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشکده حفاظت آثار فرهنگی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.
y.heydari@tabriziau.ac.ir
ORCID: 0000-0002-1682-7104

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۹ تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۱۲/۰۱

A Quarterly Journal of HISTORICAL STUDIES OF ISLAM © 2009 by Research Center for Islamic History is licensed under Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International

A Quarterly Journal of HISTORICAL STUDIES OF ISLAM
Vol 16, No 63, Winter 2025
Research Center for Islamic History, http://journal.pte.ac.ir
Scientific-Research, pp. 57-94

The Old city of Qasr-e Shirin; Recognition of physical structure and its historical and communication position in the Sasanian and Islamic periods

Yadollah Heidari Babakamal[1]

Abstract: Qasr-e Shirin was formed in the late Sassanid period with an important collection of royal, religious, public benefit and defense-military buildings. The main research issue is to study the spatial structure of the city of Qasr-e Shirin during the Sassanid period, its continued existence during the Islamic period, and to examine the factors affecting the city's dynamics from the late Sassanid period to the Qajar period. The results of the research show that the elements that make up the Sassanid city include the royal citadel, the fire temple, the official and administrative premises, the ditch? and the tower, which continued with some changes in the Islamic period. In the later Islamic periods, the life of the city was affected by the challenges of the Safavid and Qajar governments with the Ottoman government; in such a way that the friendly or hostile political relations of the two governments had a direct connection with the prosperity or decline of the city of Qasr-e Shirin. In other words, in addition to maintaining the role of communication, Qasr-e Shirin took on far more important religious, political, commercial and strategic functions than before, in which the *Atabat-e 'Aliat* and the path leading to it were considered the main element of the relations between the two countries.

Keywords: Qasr-e Shirin, Great Khorasan Road, Physical structure, Sassanid period, Ottoman and Qajar governments, political-commercial relations.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-08]

[DOI: 10.22034/16.63.3]

10.22034/16.63.3

1 Assistance Professor, Department of Archaeology, Faculty of Cultural Materials Conservation, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran. y.heydari@tabriziau.ac.ir
ORCID: 0000-0002-1682-7104

Receive Date: 2024/09/30 Accept Date: 2025/02/19

A Quarterly Journal of HISTORICAL STUDIES OF ISLAM © 2009 by Research Center for Islamic History is licensed under Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International

مقدمه

شهرهای ساسانی بر مبنای تفکرات کیهانی به صورت دایره‌ای، شطرنجیِ منظم و در مواردی نامنظم بنا شده‌اند. ساختن شهرهای جدید در دوره ساسانی نمایشی از فره ایزدی شاه، ابزاری برای به رخ کشیدن قدرت و عظمت او، انعکاس‌دهندهٔ ذهنیت و سلایق شاه بانی آن و حتی در زمان اردشیر اول نشانهٔ استقلال و عدم تابعیت از اردوان بوده است (مهرآفرین، ۱۳۹۳: ۲۴). اصولاً شاهان ساسانی برای به رخ کشیدن جاه‌طلبی، نام خود یا اشخاص محبوبشان را بر شهرهای جدید می‌نهادند. قصرشیرین واقع در غرب ایران، یکی از شهرهای احتمالاً نامنظم و جدید ساسانیان بوده که براساس وضعیت توپوگرافی خود شکل گرفته و با موقعیت استراتژیکی ویژه و هم‌مرز با بین‌النهرین، نقش قابل توجهی در مناسبات سیاسی و اقتصادی ساسانیان داشته است. طبق پژوهش‌های صورت‌گرفته اهمیت ارتباطی آن از دوره ماد تا قرون متأخر اسلامی در غرب ایران مشهود بوده و در دوره ساسانی شهر تیسفون را به کرمانشاه متصل می‌کرده است (واندنبرگ، ۱۳۷۹: ۹۷). اهمیت قصرشیرین در دوره ساسانی با توجه خسروپرویز به این منطقه بیش از پیش نمایان شد (پیرنیا، [بی‌تا]: ۳۳)؛ چنان‌که خسروپرویز با احداث مجموعه بناهای کاخ، قلعه، ساختمان‌های مذهبی و سیستم آب‌رسانی، برای آبادی منطقه قصرشیرین اقدام کرد. مهم‌ترین بناهای شناخته‌شده ساسانی قصرشیرین عمارت خسرو (حاجی قلعه‌سی)، چارقاپی، بان‌قلعه و نهر شاه‌گدار است. علاوه بر آن، در داخل کشور عراق، هم‌جوار و همزمان با مجموعه قصرشیرین، بنای «هاوش‌کوری[1]» مربوط به اواخر دوره ساسانی ساخته شد (Panahipour, 2019: 93). وجود آثار یادشده و محوطه‌های تاریخی پراکنده در اطراف شهر، حاکی از رونق این منطقه در اواخر دوره ساسانی بوده است. با توجه به ذکر مکرر قصرشیرین در نگاشته‌های مورخان اسلامی، اهمیت آن در این دوران محسوس بوده است و می‌توان حیات شهر و نقش مهم آن را در دوران صفوی تا قاجار در مناسبات سیاسی با قدرت عثمانیان پیگیری کرد. وجود کاروان‌سرای موسوم به «شاه‌عباسی» در مجاور خیابان شهدا، آثار پراکنده معماری یافته‌شده از کاوش‌های باستان‌شناسی احتمالاً با کاربری تجاری؟ یا دفاعی؟ مربوط به قرون میانی و متأخر اسلامی در زیر بافت کنونی شهر (حیدری باباکمال، ۱۴۰۱) و تداوم استفاده از بناهای دوره ساسانی در دوران اسلامی، شواهدی از رونق

۱ هاوش‌کوری با نام محلی و امروزی «تپه گاور» در میان مزارع کشاورزی قرار دارد.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-08]

[DOI: 10.22034/16.63.3]

نسبی شهر را با فراز و فرودهایی تا دوره قاجار نمایان می‌سازد. بنابراین و با توجه به فراوانی قابل توجه بناهای تاریخی شهر قصرشیرین در دوران ساسانی و اسلامی، بازیابی ساختار فضایی و جایگاه ارتباطی آن طی یک پژوهشِ مستقل، کاملاً ضروری به نظر می‌رسد. بر این اساس، مهم‌ترین سؤالات پژوهش حاضر عبارت است از:

۱. سازمان فضایی شهر قصرشیرین در دوره ساسانی و تداوم حیات آن در دوران اسلامی چگونه بوده است؟

۲. چه عواملی در رونق شهر قصرشیرین در اواخر دوران ساسانی و اسلامی مؤثر بوده‌اند؟

روش انجام پژوهش تاریخی- تحلیلی و ابزار گردآوری اطلاعات مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای، اسنادی و مطالعات میدانی باستان‌شناسی است.

پیشینه پژوهش

نخستین مطالعات انجام‌شده در قصرشیرین به کاوش‌های باستان‌شناسی در چهارقاپی (چهارتاقی) توسط ناصر نوروززاده چگینی (۱۳۷۱-۱۳۷۶) مربوط می‌شود. پس از آن یوسف مرادی به پنج فصل کاوش باستان‌شناسی در عمارت خسرو (۱۳۸۴ تا ۱۳۹۷) و علی هژبری (۱۳۸۴) به بررسی سیستماتیک باستان‌شناسی شهر قصرشیرین و حومه آن پرداخته‌اند. تمامی این مطالعات بر روی بناهای واقع در شهر قصرشیرین منسوب به اواخر ساسانی و اوایل دوران اسلامی بوده است. همچنین نگارنده در سال ۱۴۰۱ در بافت تاریخی شهر قصرشیرین با هدف شناسایی کاربری و گاه‌شناسی یافته‌های معماری محدوده خیابان ساحلی و خیابان شهدا، به کاوش گسترده در چهار ترانشه پرداخت. نتایج کاوش حاکی از بناهایی با کاربری مسکونی، تجاری؟ و تدافعی؟ از قرون میانی تا متأخر اسلامی بوده است. بیشترین مطالعات در مجموعه قصرشیرین مربوط به عمارت خسرو از یوسف مرادی است. او در سال ۱۳۸۵ به انتشار گزارش نخستین فصل کاوش‌های باستان‌شناختی و شرح یافته‌های معماری و آرایه‌های وابسته، از قبیل آثار پراکندهٔ گچ‌بُری عمارت خسرو پرداخت. احمدی در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «باستان‌شناسی قصرشیرین در دوره ساسانی» به معرفی قصرشیرینِ دوره ساسانی با توجه به شواهد تاریخی و باستان‌شناسی پرداخته است.[۱] در

۱ ابراهیم احمدی هدایتی (۱۳۸۷)، «باستان‌شناسی قصرشیرین در دوره ساسانی»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه تهران.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-08]

[DOI: 10.22034/16.63.3]

پژوهش دیگری از مرادی با عنوان «عمارت خسرو در پرتو نخستین فصل کاوش‌های باستان‌شناختی»، براساس یافته‌های معماری و باستان‌شناختی و با تکیه بر آزمایش گاه‌نگاری ترمولومینسانس، عمارت خسرو به عنوان یکی از کاخ‌های خارج از شهر عباسیان و مشابه کاخ اخیضر معرفی شده است.[۱] علی هژبری در پژوهشی با عنوان «پیشنهادی برای تعیین کاربری بنای چهارقاپی قصرشیرین»، چهارقاپی قصرشیرین را احتمالاً یک کلیسای ناتمام مربوط به اواخر دوره ساسانی دانسته است.[۲] در جدیدترین پژوهش صورت‌گرفته از یوسف مرادی با عنوان «عمارت خسرو در جاده بزرگ (خراسان یا ابریشم)»، او مجموعهٔ تاریخی عمارت خسرو را مجدداً ارزیابی کرده و ابهامات موجود در مورد آن را رفع کرده است.[۳] همان‌طور که از پیشینه پیداست، کمتر به ساختار شهری قصرشیرین در دوران ساسانی و اسلامی پرداخته شده است. بنابراین پژوهش پیشِ رو در تلاش بوده تا با استفاده از شواهد تاریخی و باستان‌شناختی موجود، ساختار کالبدی شهرِ قصرشیرین و اهمیت ارتباطی و تاریخی آن را در دوران ساسانی و اسلامی بازشناسی کند.

موقعیت جغرافیایی و مدیریت منابع آب

شهرستان مرزی قصرشیرین در ۱۸۵ کیلومتری و غربی‌ترین نقطه استان کرمانشاه واقع شده و هم‌مرز با کشور عراق است. داشتن حدود ۱۸۶ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق، قابلیت نظامی و ارزش استراتژیک فوق‌العاده‌ای به این منطقه داده است (سلطانی، ۱۳۸۱: ۴۳/۱) (شکل شمارهٔ ۱). دو رودخانهٔ «دیره» و «الوند» منابع آبی مهم قصرشیرین محسوب می‌شوند. رودخانه الوند (حُلوان) بزرگ‌ترین جریان آبی منطقه است که از ارتفاعات «سیاوانه» یا «سیاهانه» واقع در پنجاه کیلومتری شمال قصرشیرین سرچشمه می‌گیرد؛ در ریجاب به صورت سراب نمایان می‌شود و پس از عبور از داخل شهرِ سرپل‌ذهاب، به طرف مرز خسروی جریان می‌یابد. رودخانه دیره از ارتفاعات سرپل‌ذهاب سرچشمه می‌گیرد که پس از تأمین آب کشاورزی دشت دیره، مازاد آن در حدود هشت کیلومتری غرب سرپل‌ذهاب به رودخانه الوند می‌ریزد (سبحانی، ۱۳۸۰: ۱۲-۱۳).

---

۱ یوسف مرادی (۱۳۹۱)، «عمارت خسرو در پرتو نخستین فصل کاوش‌های باستان‌شناختی»، *مجموعه مقالات در پاسداشت مسعود آذرنوش (نامورنامه)*، تهران: سازمان میراث فرهنگی.

۲ علی هژبری (۱۳۹۱)، «پیشنهادی برای تعیین کاربری بنای چهارقاپی قصرشیرین»، *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، ش۲، دوره سوم، صص۱۵۳-۱۷۲.

3 Yousef Moradi (2023), "Emārat-e Kosrow on the High Road: Recent Archaeological Ecavations", *Ancient Near Eastern Studies*, Vol,*60*, pp.93-147.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-08]

[DOI: 10.22034/16.63.3]

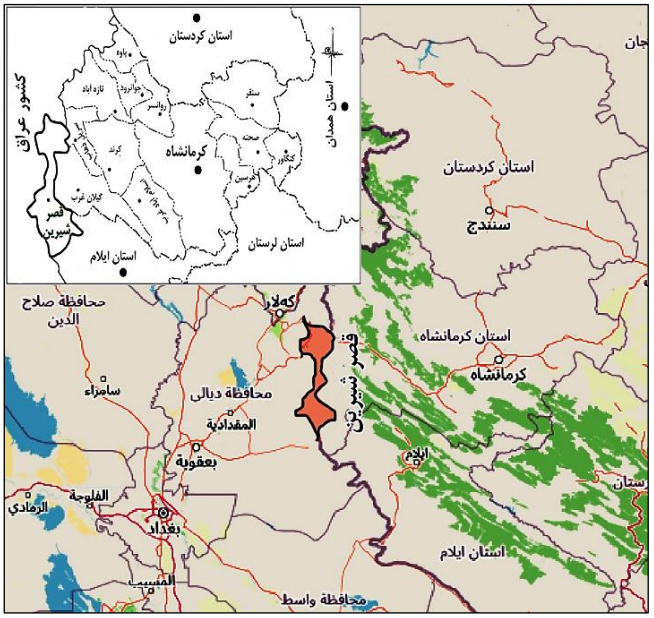

شکل شمارهٔ ۱. موقعیت جغرافیایی قصرشیرین در غرب کرمانشاه و هم‌مرز با کشور عراق با تغییرات نگارنده
(https://www.statoids.org/en/ir/admin-profile/iran/level2/qasr-e-shirin)

در دستگاه حکومت ساسانی، نظام آبیاری هم‌ارز نظام‌های مالی و دیوانی و از نظر فنی و مهندسی از آن دو مهم‌تر بود (لسترنج، ۱۳۶۷: ۱۴۷). به نوشته لسترنج (۱۳۶۷: ۱۶) مسلمانان در عراق نظام آبیاری را از ساسانیان به ارث برده بودند و توانستند این سرزمین را آباد و حاصلخیز کنند. در این راستا استقرار شهر ساسانی قصرشیرین مبتنی بر سرمایه‌گذاری بر منابع آبی و آبیاری بود؛ گواه آن ایجاد کانال‌های آبیاری متعدد در سطح منطقه بوده است. یکی از چالش‌های اصلی قصرشیرین در دوره ساسانی، کیفیت مهار آب رودخانه الوند به منظور بهره‌برداری حداکثری از زمین‌های کشاورزی بود که با توجه به رونق و شکوفایی شهر، به نظر می‌رسد که در این امر موفق بودند. علاوه بر آن، استفاده از بندها، کندن نهرها و آبراهه‌ها و بازسازی آنها به منظور بیشترین بهره از آب رودخانه‌ها، برعهدهٔ دولت بوده و توزیع آب از جایی که به روستاها می‌رسید، برعهده روستاییان بوده است (طبری، ۱۳۵۳: ۴۴۰/۱).

اهمیت رودخانهٔ الوند و ذکر نام آن در متون تاریخی مختلف، از جایگاه ارزشمند آن در

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-08]
[DOI: 10.22034/16.63.3]

منطقه قصرشیرین حکایت دارد. ابن‌خردادبه (۱۳۷۱: ۱۶۴)، ابن‌حوقل (۱۳۶۶: ۱۱۲) و نویسندهٔ *حدود العالم* (۱۳۷۲: ۱۵۳) در قرون نخستین اسلامی به رودخانه الوند و عبور آن از میان شهر یاد کرده‌اند. از میان نویسندگان چند سده اخیر نیز اوتر (۱۳۶۳: ۶۹) و چریکف (۱۳۷۹: ۱۵۷) نقش رودخانه الوند را در تأمین آب ساکنان قصرشیرین مؤثر ذکر کرده‌اند. با توجه به اینکه بیشتر آبِ در دسترس قصرشیرین از رودخانه الوند تأمین می‌شد، مردمِ بسیاری از چندین سده پیش در حاشیه رودخانه مسکن گزیدند و از آب آن استفاده می‌کردند (شکل شمارهٔ ۲). بقایای معماری حاشیه رودخانه الوند حاکی از ساخت‌وساز منازل مسکونی در مجاور رودخانه است که امروزه اثر چندانی از آنها باقی نمانده و به صورت انباشتی از آثار معماری سنگی و آجری قابل مشاهده است (شکل شمارهٔ ۳). براساس موارد یادشده، رودخانه الوند نقش قابل توجهی در تأمین منابع آبی شهر، ایجاد بند و کانال و نیز توسعه کشاورزی منطقه در دوران ساسانی و اسلامی داشته است.

شکل شمارهٔ ۲. رودخانه الوند و استقرار خانه‌های مسکونی در مجاور آن برای استفاده از آب رودخانه در اواخر قاجار و اوایل پهلوی (Clapp, 1934)

شکل شمارهٔ ۳. بقایای معماری قلوه‌سنگی و لاشه‌سنگی خانه‌های مسکونی مدفون در مجاور رودخانه الوند (نگارنده، ۱۴۰۱)

در حدود ۱/۲ کیلومتری شمال بنای عمارت خسرو و هم‌راستا با جاده آسفالته قصرشیرین–مرز خسروی، بقایای کانال آبی موسوم به نهر شاهگُدار مربوط به دوره ساسانی احداث شده است. مصالح به کار رفته در ساخت کانال از سنگ ماسه‌ای لاشه‌ای در ابعاد بزرگ ۱۰۲×۴۶ سانتی‌متر و ملاط گچ است که به نظر می‌رسد تا سده اخیر همچنان از آن استفاده می‌شد (شکل شمارهٔ ۴).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-08]

[DOI: 10.22034/16.63.3]

شکل شمارهٔ ۴. بقایای نهر شاهگدار واقع در ضلع شمالی شهر قصرشیرین (نگارنده، ۱۴۰۱)

ایجاد نهر شاهگدار در جهت شمالی شهر قصرشیرین، بر تدابیر ویژهٔ ساسانیان در مدیریت منابع آب و توزیع مناسب آن حکایت دارد. ساخت شبکه کانال‌ها و بندها بر روی رودخانه‌های الوند و سیروان به منظور تأمین آب مزارع و باغ‌هایِ حومهٔ شهر، تأییدی بر ادعای یادشده است. بنابراین اهمیت تأمین آب مزارع با توجه به توپوگرافی نامنظم، گرمای بالا و خشکی فراوان منطقه دوچندان می‌شود. به نظر می‌رسد نهر شاهگدار به طول تقریبی دَه کیلومتر (غلامی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۹۰) از طریق بندی واقع در شمال شرقی روستای «سید ایاز» به عمارت خسرو متصل می‌شد و آب رودخانه الوند را به شمال شهر انتقال می‌داد. برای احداث نهر، در بسیاری از قسمت‌ها پستی و بلندی‌های زمین را تسطیح و در برخی موارد حدود هفت متر از سطح زمین را پر کرده و یا همین اندازه را کنده‌اند. به نوشته بایندر (۱۳۷۰: ۳۸۵–۳۸۶)، خسرو دوم دوهزار کارگر برای حفر زمین و تراشیدن سنگ‌ها به منظور حفر کانال به کار گرفته بود. با این حال، نهر شاهگدار در دوره پهلوی دوم نیز مجدداً استفاده شده است.

جایگاه تاریخی قصرشیرین

پیشینه حضور ساسانیان در منطقه حُلوان و تیسفون، از زمان انوشیروان به بعد بوده (کریستین‌سن، ۱۳۸۶: ۳۲۴) و به‌طور مشخص در این زمان از قصرشیرین نامی برده نشده است. البته در اواخر دورهٔ ساسانی، توجه ویژه ساسانیان به قصرشیرین بیشتر می‌شود و خسروپرویز به علت خوبی

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-08]

[DOI: 10.22034/16.63.3]

آب‌وهوا در زمستان، باغ وسیعی را برای شیرین می‌سازد. ابن‌بلخی (۱۳۶۳: ۱۰۷) قصرشیرین را تنها شهر ساخته‌شده توسط خسروپرویز دانسته و در *مجمل التواریخ و القصص* (۱۳۱۸: ۸۱) قصرشیرین در مسیر قرمیسین (کرمانشاه) به بغداد ذکر شده است. به نظر می‌رسد بخشی از مجموعه ساسانی قصرشیرین در سال ۶۲۸م. با لشکرکشی هراکلیوس به ایران تخریب شد (شراتو و بوسایلی، ۱۳۸۳: ۴۹) و در سال ۱۶ق. «قعقاع‌بن عمرو» پس از شکست «گشنسب» سردار ایرانی، قصرشیرین و حلوان را فتح و از آنها به عنوان پادگان نظامی استفاده کرد (مشکور، ۱۳۷۱: ۸۷۶). به عبارت دیگر، این شهر نیز مانند شهرهای دیگر ایران به تصرف مسلمانان درآمد و پس از گرایش فاتحان به اسلام و التقاط آنها با مردم شهر، تا اوایل قرن سوم قمری به حکومت ادامه دادند (صفی‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۰–۲۱).

اطلاعات دقیقی دربارهٔ حیات اجتماعی قصرشیرین در قرون نخستین اسلامی در دست نیست، با این حال در روزگار عضدالدوله دیلمی یعنی در اواسط قرن چهارم قمری، قصرشیرین به صورت کامل ویران نشده بود (نفیسی، ۱۳۸۸: ۲۱۳) و آن را دهی بزرگ با ایوانی بزرگ معرفی کرده‌اند (*حدودالعالم*، ۱۳۷۲: ۲۱۱). برخی مورخان دوره اسلامی علاوه بر خسروپرویز از سایر پادشاهان ایرانی با آثار قابل توجهشان در این منطقه یاد کرده‌اند (یعقوبی، ۱۳۸۱: ۳۷). برخی دربارهٔ باغ‌های لیمو، نارنج و نخلستان‌های پربار اینجا سخن رانده‌اند (مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۱۰) و برخی نیز قصرشیرین را ساخته خسروپرویز و آن را یک دژ نظامی بزرگ تصور کرده‌اند (اوتر، ۱۳۶۳: ۶۹). ابن‌رُسته (۱۳۶۵: ۱۹۶) از بقایای دیوار آجری و همچنین برج‌های مخروبه دسکره (دستگرد) یاد کرده است. این دسکره فقط از یک کاخ حاکم‌نشین تشکیل نشده، بلکه مجموعه‌ای شامل دبیرخانه، خزانه، انبارها و اماکن دولتی بوده که با دژی مستحکم حفاظت می‌شده است. ابن‌فضلان‌بن عباس (۱۳۸۰: ۶۰) نیز حدود سال ۳۰۹ق. از قصرشیرین بازدید و از آن به عنوان دستگرد یاد کرده است. به نوشته وی، دیوار آجری دستگرد تخریب نشده بود و خرابه‌های کاخ خسرو در دستگرد تا قرن چهارم قمری به «دستگرد کسرویه» شهرت داشته است (مشکور، ۱۳۷۱: ۴۲۴). ابودُلف (۱۳۵۴: ۵۸) در آغاز قرن چهارم قمری از ساختمان‌های بلند و باشکوه قصرشیرین یاد کرده و به ساختن شهر بر فراز تپه‌ای بلند اشاره کرده است. این بناها از اجزای متنوعی شامل کاخ، شکارگاه، میدان و باغ‌های وسیع تشکیل و بر فراز تپه بلندی برپا شده بودند. در تکمیل نگاشته‌های ابودلف، ابن‌فقیه (۱۳۴۹: ۱۰۲) اشاره کرده است که هیچ بنایی از گچ و آجر، شکوهمندتر از ایوان کسری

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-08]

[DOI: 10.22034/16.63.3]

در مداین و هیچ بنای سنگی زیباتر از قصرشیرین نیست. نظامی (۱۳۹۳: ۲۸۹) در قرن ششم قمری در خمسه (پنج گنج) از ایجاد کوشک و عمارت توسط خسروپرویز برای شیرین یاد کرده است:

ز ما قصری طلب کرده است جایی کز آن سوزنده‌تر نبود هوایی
بدان تا مردم آنجا کم شتابند ز جادو جادوئی‌ها در نیابند

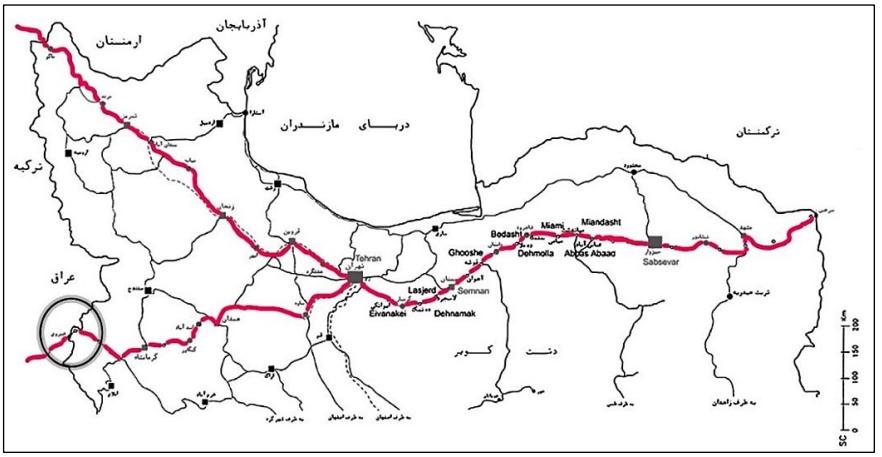

شکل شمارهٔ ۵. یکی از شاخه‌های جاده ابریشم (جاده ابریشم با گذر از قصرشیرین وارد ایران می‌شود)
(Andaroodi and et al, 2006: 315)

حمدالله مستوفی (۱۳۶۲: ۲۱۱) در سال ۷۴۰ق. قصرشیرین را ساخته خسروپرویز برای همسرش دانسته است که در آنجا قلعه‌ای بزرگ از سنگ و لاشه‌سنگ ساخته شده بود. محیط آن حدود دوهزار متر مربع مساحت داشته است و کاروان‌سرایی با مصالح مناسب در آنجا ساخته شده بود. همچنین هوای قصرشیرین را بسیار گرم و نامناسب توصیف و به عبور آب الوند (حلوان) از میان شهر قصرشیرین اشاره کرده است.

همان‌طور که از منابع تاریخی دوره اسلامی پیداست، اگرچه آبادانی شهر و ساخت و سازها در قصرشیرین به مانند دوره ساسانی ادامه نیافت، ولی به عنوان شهرِ کوچکی تا دوران صفوی و قاجار به حیات خود ادامه داد. نصوح مطراقچی (Matrakcī,1976) به ترسیم دقیق نقشه شهر

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-08]
[DOI: 10.22034/16.63.3]

قصرشیرین در اوایل دوره صفوی (۱۵۳۴م) پرداخته و پیترو دلاواله (۱۳۷۱: ۸) به عنوان نخستین سیاح اروپایی در سال ۱۶۵۹م. از ویرانه‌های قصرشیرین بازدید کرده است.

ناآرامی‌های پس از دوره صفوی، آسیب‌های فراوانی به شهر قصرشیرین وارد آورد. شاه‌عباس در دوره صفوی و نادرشاه در دوره افشار، برای جنگ با دشمن بارها از معبر باستانی قصرشیرین لشکر کشیدند. این شهر در دوره قاجار اهمیت خود را به واسطه کارکردهای مرزی و سیاسی بازیافت و محلی برای اسکان زمستانی حکام گوران و سنجابی شد؛ از جملهٔ این اشخاص اسدالله‌خان سرتیپ گوران، حسین‌خان، سرتیپ مَلک‌خان، نیازخان کرندی، شیرخان صمصام‌الممالک سنجابی و جوانمیر احمدوند چلبی بودند (سلطانی، ۱۳۸۱: ۴۶/۱). در دوران صفوی و قاجار مناطق مرزی قصرشیرین و سرپل‌ذهاب مورد مشاجره میان دولت عثمانی با ایرانیان بوده است (Panahipour, 2019: 103). تا جنگ جهانی اول مرز ایران و عثمانی از محلی در نزدیکی جنوب قصرشیرین می‌گذشت. در این ناحیه و در سرحد ایران سواران سنجابی در محلی به نام «قلعه سبزی» مرز را پاس می‌داشتند و به فاصله یک ساعت راه در آن طرف مرز پاسگاه سرحدی عثمانیان، وظیفه حراست از جهت غربی قصرشیرین را برعهده داشتند (سبحانی، ۱۳۸۰: ۳۳).

نقش ارتباطی و موقعیت استراتژیک و تدافعی

طی پژوهش‌های صورت‌گرفته، اهمیت ویژه ارتباطی شهر قصرشیرین از دوران تاریخی تا قرون متأخر اسلامی به خاطر قرارگیری بر سر راه بابل (بین‌النهرین) به سرپل‌ذهاب (جزو توابع شاد فیروز ساسانی یا حُلوان در دوران اسلامی) و مناطق داخلی ایران مشهود بود (Le Strange,1905: 79, 80). خانقین نزدیک‌ترین شهر عراق امروزی به قصرشیرین بود که از طریق معبر خسروی به داخل ایران راه می‌یافت. این مسیر از بغداد آغاز می‌شد و بعد از عبور از خانقین، همدان و ری، به نیشابور و مرو منتهی می‌گردید (عبدلی‌فرد، ۱۳۸۳: ۲۳) (شکل شمارهٔ ۵). شهرهای مهم واقع در این مسیر بغداد، خانقین، قصرشیرین، سرپل‌ذهاب، کرمانشاه، کنگاور، پل شکسته، اسدآباد و همدان بودند (سلطانی، ۱۳۸۱: ۱۳۱/۱). قصرشیرین اولین شهر ایرانی در مسیر بغداد به مناطق مرکزی ایران بوده، در اقلیم چهارم از اقالیم هفت‌گانه واقع شده و فاصله آن تا شهر زور بیست فرسنگ و تا حُلوان پنج فرسنگ بوده است (قلقشندی، ۱۳۸۰: ۷۹–۸۰).

مسیر یاد شده که از آن به عنوان جاده خراسان یاد می‌شود، نه تنها در دوره اسلامی، بلکه

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-08]

[DOI: 10.22034/16.63.3]

در دوران پیش از اسلام نیز رونق قابل توجهی داشته و از راه‌سازی دوره ساسانی در آن یاد شده است (پیرنیا و افسر، ۱۳۵۰: ۹۱). درواقع، یکی از اصلی‌ترین دلایل اهمیت قصرشیرین در قرون نخستین و میانی اسلام، وجود راه ایالت جبال یا همان شاهراه بزرگ و کاروان‌رو خراسان بوده که از بغداد آغاز و به ماوراءالنهر منتهی می‌شد و در قرون متأخر اسلامی مسیر اصلی برای رسیدن به عتبات عالیات بوده است. این شاهراه در حُلوان (سرپل‌ذهاب و قصرشیرین امروزی) (شکل شمارهٔ ۶) وارد ایالت جبال می‌شد و از سراسر آن عبور می‌کرد. مسیر این جاده تا حدود زیادی با جاده ابریشم منطبق بود (لسترنج، ۱۳۶۷: ۱۱) (شکل شمارهٔ ۷). کامل‌ترین توصیف از شاهراه خراسان، شرحی است که ابن‌رُسته (۱۳۶۵: ۱۹۳) در اواخر قرن سوم قمری نوشته است. او شاهراه مزبور را منزل به منزل با ذکر رودها و پل‌هایی که از روی آنها می‌گذرد، وصف کرده و به تمام ارتفاعات، سراشیبی‌ها، پیچ‌های جاده و دهکده‌های سر راه اشاره کرده است. در دورهٔ قاجار، مسیر یادشده با عنوان جادهٔ عتبات عالیات از قصرشیرین به سرپل‌ذهاب، میان‌طاق (سیف‌الدوله، ۱۳۶۴: ۲۵۵)، کرند، هارون‌آباد، ماهیدشت، بیستون (ادیب‌الملک، [بی‌تا]: ۴۹) و سپس به کنگاور، اسدآباد، همدان، ملایر، نهاوند، بروجرد (سیف‌الدوله، ۱۳۶۴: ۲۵۶) و از آنجا به سلطان‌آباد (ویلز، ۱۳۶۸: ۱۴۰) قم، فیروزکوه، دامغان و به خراسان می‌رفت.

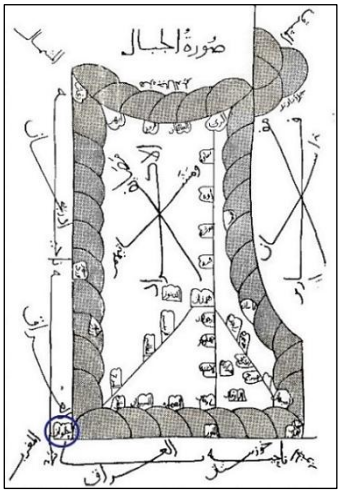

شکل شمارهٔ ۶. نمایش حُلوان در مسیر جاده قرمیسین (کرمانشاه)- همدان بر روی نقشه ابن‌حوقل (۱۳۶۶: ۱۰۲)

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-08]

[DOI: 10.22034/16.63.3]

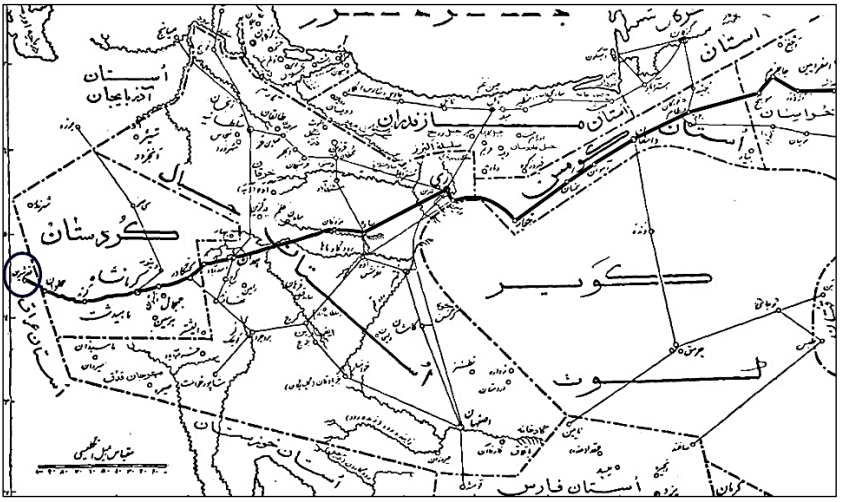

شکل شمارهٔ ۷. نمایش قصرشیرین بر روی نقشه جبال در مسیر جاده بزرگ خراسان (لسترنج، ۱۳۶۷: ۱۸۵)

توجه به امنیت این راه باستانی و حفاظت از آن، همواره مدّ نظر پادشاهان ساسانی و حکام اسلامی بوده و هر یک به فراخور قدرت سیاسی خود، در حراست از آن موفقیت‌هایی کسب کرده بودند؛ از جمله در نگاشته‌های ادیب‌الملک ([بی‌تا]: ۱۳۴) راه کاروان‌رو سرپل‌ذهاب تا قصرشیرین و از آنجا تا خانقین ناهموار و سنگلاخی توصیف شده و از ناامنی آن یاد شده است. او قلعه قصرشیرین (قلعه سبزی) را تنها نقطهٔ امن در مسیر دانسته و فقدان آب را تهدیدی جدی برای منطقه ذکر کرده است.

علاوه بر اهمیت ارتباطی قصرشیرین، وجود تأسیسات دفاعی مستحکم در برابر ناامنی و یا حملات احتمالی از بین‌النهرین، اشاره به اهمیت استراتژیک منطقه در دوران ساسانی و اسلامی دارد. طی بررسی روشمند باستان‌شناختی منطقه سرپل‌ذهاب در هم‌جواری قصرشیرین به سرپرستی سجاد علی‌بیگی، سازه دفاعی موسوم به «گوری» شناسایی شد. این سازه قابل توجه دیوار سنگی با ملاط گچ بوده که حدود ۱۱۵ کیلومتر طول داشته و به دوران اشکانی و ساسانی منسوب شده است. امروزه دیوار یادشده در بیشتر قسمت‌ها تخریب شده، اما در زمان استفاده حدود چهار متر عرض و سه متر ارتفاع داشته است (Alibaigi, 2019). به نظر می‌رسد از این دیوار در دوران اسلامی تا سده‌های اخیر استفاده می‌شد و نقش مهمی در استحکام دفاعی قصرشیرین و تعیین مرز با دولت عثمانی داشته

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-08]
[DOI: 10.22034/16.63.3]

است (شکل شمارهٔ ۸). در سرپل‌ذهاب بناهای دیگری از قبیل قلعه یزدگرد، نهر ولاش و شهر قدیم حلوان مربوط به دوران اشکانی و ساسانی، بر جایگاه مهم منطقه در این دوران تأکید دارند. البته تداوم توجه به سرپل‌ذهاب و قصرشیرین تا دوران صفوی و قاجار، با توجه به تعیین مرز میان کشورهای ایران و عراق و بستن معاهده‌های ذهاب (۱۶۳۹م) و ارزروم (۱۸۴۷م) با عثمانیان همچنان مشهود بوده است (Ibid). طبق معاهده ارزروم، مقرر گردید به دلیل فقدان هرگونه عارضه طبیعی یکپارچه در مرز ایران و عثمانی، سرزمین‌های غربی یا هموار به امپراتوری عثمانی برسد و ایران زمین‌های شرقی یا ناهموار را دریافت کند، اما بررسی‌های صورت‌گرفته در منطقهٔ سرپل‌ذهاب نشان داد که عوارض طبیعی، ترکیبی از زمین‌های مرتفع و دشت بوده و تقسیم‌بندی پیشنهادی را نپذیرفت. علاوه بر آن و طی این معاهده می‌بایست میان متصرفات عثمانی از رودخانه سیروان (آب‌های بالای رودخانه دیاله) تا رشته‌کوه بامو ارتباط یکپارچه و بی‌وقفه وجود داشته باشد و شهر مرزی خانقین را از قبایل عشایری ایرانی قصرشیرین و سرپل‌ذهاب جدا کند. مورد مهم دیگر اهمیت مذهب در تقسیم‌بندی‌های سیاسی بود و با توجه به اینکه راه اصلی کرمانشاه به بغداد از سرپل‌ذهاب و قصرشیرین می‌گذشت، مقرر شد که سرپل‌ذهاب محل تجمع زائران قبل از ورود به خاک عثمانی (کشور عراق) باشد (Ateş, 2013: 161-165).

شکل شمارهٔ ۸. دیوار تدافعی گوری در نزدیکی قصرشیرین و سرپل‌ذهاب مربوط به دوره اشکانی- ساسانی
(Alibaigi, 2019: 3)

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-08]
[DOI: 10.22034/16.63.3]

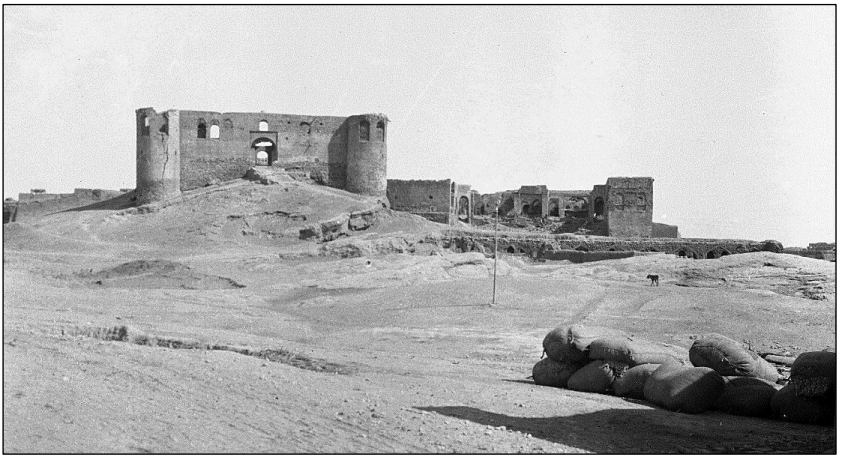

شکل شمارهٔ ۹. بارو و قلعه قصرشیرین (قلعه سبزی) در سال ۱۹۲۷م
(Clapp, 1927)

چالش‌های یادشده در دوران صفوی و به‌ویژه قاجار حاکمان مرزی و حتی حکومت مرکزی را بر آن می‌داشت که در مرز ایران و عراق (دولت عثمانی) آمادگی شهرهای سرپل‌ذهاب و قصرشیرین در ایجاد امنیت و ساختن بناهای تدافعی را افزایش دهند. به نوشته اعتمادالسلطنه (۱۳۶۳: ۱۱۳/۱–۱۱۲)، در سال ۱۳۰۱ق. سربازخانه‌های بسیاری در محدودهٔ سرپل‌ذهاب و قصرشیرین برای امنیت منطقه و آماده‌باش به منظور مبارزه با عثمانیان ساخته شدند. همچنین ناصرالدین‌شاه (۱۳۶۲: ۲۵۱–۲۶۰) در *سفرنامه عتبات عالیات* از دیوار آجری بزرگ و بلند قلعه (قلعه سبزی) با دروازه‌های قطور آن یاد کرده است (شکل شمارهٔ ۹). در توصیف‌های او دیوار قلعه با آجر، گچ و آهک بسیار محکم ساخته شده بود. برخی نقاط آن تخریب و برخی نقاط همچنان پابرجا باقی مانده بود. احتمالاً این دیوار با برج‌ها و باروی ترسیم‌شده در مینیاتور مطراقچی (شکل شمارهٔ ۱۹) در بسیاری از نقاط همخوانی داشته باشد. ناصرالدین‌شاه در ادامهٔ توصیف‌هایش، رونق شهر را مدیون حسن‌خان قصری دانسته که امور سرحدی را اداره می‌کرد (همان، ۲۶۱). الیویه (۱۳۷۱: ۲۷) نیز از بقایای حصار و برج و باروی بلند، مستحکم و قدیمی شهر در اوایل دوره قاجار یاد کرده است. همچنین ژاک دمُرگان (۱۳۳۹: ۱۸۶/۲) در سال ۱۸۹۱م. از یک محوطه وسیع درخت‌کاری‌شده با دو قصر و یَک قلعه واقع در محدوده شهر جدید به همراه اردوگاهی که

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-08]
[DOI: 10.22034/16.63.3]

امروز «بام قلعه» (بان‌قلعه) نام دارد، یاد کرده است. در پژوهش‌های دیگری (سبحانی، ۱۳۸۰: ۳۳) ساخت شهر قصرشیرین با برج‌ها و باروی آن، به «جوانمیر قصری» نسبت داده شده است. این شخص مسئولیت زواری را که به کربلا می‌رفته‌اند، برعهده داشت. در این پژوهش آمده است که شاه‌عباس اول برای حفظ مرز ایران و عثمانی، نُهصد خانوار از کردان سنجابی را به قصرشیرین کوچانید؛ اگرچه به نظر می‌رسد قسمتی نیز در زمان نادرشاه به این منطقه کوچانده شده باشند. همان‌طور که از مطالب یاد شده برمی‌آید، ذکر قصرشیرین در اسناد دورهٔ قاجار همواره با استحکامات تدافعی و امنیتی قرین بوده است.

نکتهٔ مهم دیگر عبور مسیر عتبات عالیات از قصرشیرین در دوره قاجار بوده که در حیات و رونق نسبی این شهر بی‌تأثیر نبوده است. در زمان فتحعلی‌شاه به یُمن حکومت‌داری فرزندش محمدعلی‌میرزای دولتشاه و نوه‌اش عمادالدوله، راه‌های منتهی به قصرشیرین مرمت و بازسازی شدند (بایندر، ۱۳۷۰: ۳۹۰). در متون مربوط به زمان ناصرالدین‌شاه، بارها از علاقهٔ او به مرمت راه‌های جدید و بازسازی مسیر عتبات عالیات از تهران تا خانقین به دست مسیو کاستگرخان یاد شده است. این عملیات قبل از مسافرت ناصرالدین‌شاه به کربلا انجام شده بود (اوبن، ۱۳۶۲: ۳۵۲). قراسوران[۱] وظیفه حفاظت از راه‌های یادشده را برعهده داشتند که بیشتر در دوره ناصرالدین‌شاه استفاده می‌شدند (افضل‌الملک، ۱۳۸۴: ۵۴). علاوه بر آن، در گردنه‌ها سربازهایی گماشته می‌شدند که گاه مسافران برای تشکر از آنها انعامی می‌دادند (بروگش، ۱۳۶۷: ۲۹۹).

عناصر کالبدی شهر قصرشیرین

طبق مطالعات صورت‌گرفته، بیشتر آثار تاریخی قصرشیرین به دوره ساسانی تاریخ‌گذاری شده‌اند. شکل شهر ساسانی تابع باورها و اعتقادات شاه، مردم ساکن در حومه شهر (فرید، ۱۳۷۱: ۹۴)، شرایط جغرافیایی و تأثیر فرهنگ‌های دیگر بوده است. دمرگان (۱۳۳۹: ۱۱۲/۲) از نخستین باستان‌شناسانی است که به عناصر ساختاری شهر قصرشیرین مانند عمارت خسرو، چهارقاپی، بان‌قلعه و نهر شاهگدار اشاره و از آنها مستندات تهیه کرده است. بناهای متنوع یادشده جزو آخرین و بزرگ‌ترین بناهای دوره ساسانی محسوب می‌شوند (هوگی، ۱۳۸۰: ۱۷۶–۱۸۷)

۱ قراسوران سربازان محلی بودند که وظیفه تأمین امنیت جاده‌ها و راه‌های ایران را در دوره صفوی تا قاجار بر عهده داشتند.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-08]

[DOI: 10.22034/16.63.3]

(شکل‌های شمارهٔ ۱۰و ۱۱) که با وجود تخریب بسیاری از آنها، بر شکوه شهر در سده‌های گذشته دلالت دارد. در دوران اسلامی برخی از این بناها به مانند گذشته استفاده می‌شدند و برخی از عناصر جدید مانند مقابر، کاروان‌سرای شاه‌عباسی، بافت تاریخی واقع در خیابان ساحلی (ضلع جنوبی شهر) و حصار و برج و بارو ایجاد گردیدند و یا بر مبنای آثار دوره ساسانی مرمت و بازسازی شدند.

شکل شمارهٔ ۱۰. موقعیت آثار تاریخی قصرشیرین در بافت کنونی شهر
(Google Earth, 2015)

عمارت خسرو

توجه ویژه به عمران و آبادانی، یکی از نشانه‌های اقتدار حکومت ساسانی بود. شاهان ساسانی به‌تدریج و به‌ویژه در اواخر این دوره، زندگی در مناطق غربی ایران را هم‌تراز شهرهای گور و بیشاپور می‌دانستند و یا حتی بر آنها ترجیح می‌دادند (هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۳۳۱). در میان عناصر اصلی شهرهای ساسانی، کاخ مهم‌ترین و شاخص‌ترین عنصر معماری بوده است که به همراه عناصر وابسته به آن، در بهترین و بلندترین نقطه شهر ساخته می‌شد (مهرآفرین، ۱۳۹۳: ۸۵). از جمله شهرهای مهمی که در کنار تیسفون و شهر گوری (گورتپه یا هاوش‌کوری) (Casana and Glatz, 2017: 60) در غرب ایران بنیان نهاده شد، قصرشیرین با کاخ شکوهمند آن موسوم به

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-08]
[DOI: 10.22034/16.63.3]

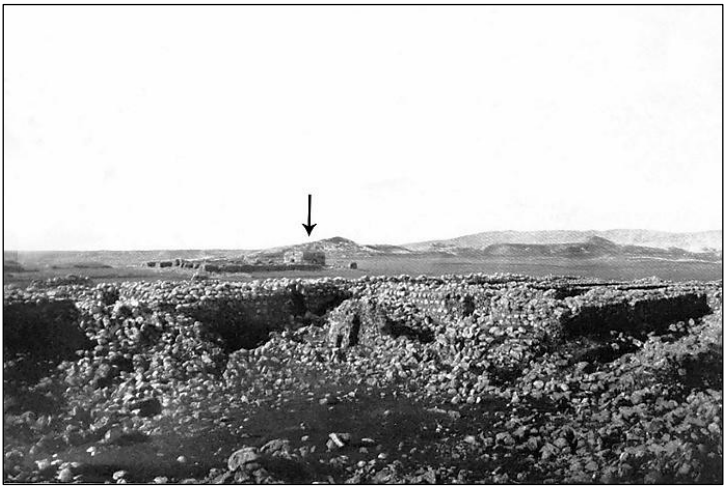

شکل۱۱. نمایی از عمارت خسرو و چهارقاپی (Bell, 1914: 283)

شکل شمارهٔ ۱۲. نمای غربی عمارت خسرو (نگارنده، ۱۴۰۱)

«عمارت خسرو» است. در کنار عمارت خسرو و به‌ویژه هاوش‌کوری، ویرانه‌های چند کاخ ساسانی و استحکاماتی در شمال شرقی ساحل رودخانه دیاله قابل توجه است. این کاخ‌ها و استحکامات به منظور تأمین امنیت مسیر قصرشیرین به بین‌النهرین در دوره ساسانی ساخته شده بودند (غلامی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۸۷). به نظر می‌رسد کاخ خسرو بارگاه سلطنتی بوده و در

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-08]

[DOI: 10.22034/16.63.3]

خارج از حصار آن، آثار قلعه مستطیلی با برج‌های گرد و خندق مشهود است که احتمالاً به عنوان سربازخانه قراولان شاهی از آن استفاده می‌شد (سبحانی، ۱۳۸۰: ۳۲). به نظر برخی پژوهشگران، از لحاظ مساحت و حیاط‌های متعدد الحاقی، عمارت خسرو مفصل‌تر از بسیاری از بناهای دوره ساسانی است (زمانی، ۱۳۸۹: ۱۸) که نه تنها جایگاه کاخ‌های خسرو، بلکه نخجیرگاه وی نیز در اینجا بوده است (نیر نوری، ۱۳۷۹: ۲۳۱) (شکل شمارهٔ ۱۲). به نظر برخی دیگر، کاخ خسرو مقر زمستانی خسرو پرویز بوده و از آن به عنوان اقامتگاه دائمی استفاده نشده است (پیرنیا، ۱۳۸۲: ۱۲۶).

به اعتقاد باستان‌شناسی از جمله مرادی (۱۳۹۱)، این کاخ نمونه‌ای از کاخ‌های برون‌شهری دوره عباسی بوده است. نکته قابل تأمل آنکه در نگاشته‌های مورخان و جغرافی‌دانان قرون نخستین و میانی اسلامی، اشاره‌ای به حضور عباسیان در منطقه قصرشیرین و شرح اقدامات عمرانی آنها نشده است. منابع دوران اسلامی در انتساب این بنا به خسروپرویز متفق‌القول می‌باشند (احمدی هدایتی، ۱۳۸۷: ۳۹، ۴۰). با این حال، احتمال استفاده از این بنا در قرون نخستین اسلامی دور از ذهن نیست و با هر کارکرد یا هدفی که ساخته شده باشد، از بنایی عظیم و سلطنتی در مقری مهم حکایت دارد.

بان‌قلعه

بان‌قلعه در حدود ۲۵۰ متری جنوب عمارت خسرو با مساحتی حدود ۱۷۶×۱۸۰ متر واقع شده است. دمُرگان بان‌قلعه را اردوگاهی با خصوصیات قلعه دانسته که اطراف آن را برج‌هایی در پنج قسَمت فرا گرفته است. این بنا مشتمل بر ساختمان‌هایی احتمالاً با کارکرد دولتی بوده که امروزه جز پی، اثری از آنها باقی نمانده است (دمرگان، ۱۳۳۹: ۱۱۶/۲). برخی نیز این مکان را مرکز انجام فعالیت‌های رسمی و اداری دوره ساسانی در قصرشیرین دانسته‌اند (سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۸۱: ۲۸۹). امروزه این بنا به صورت انباشت مرتفع و نسبتاً بزرگی دیده می‌شود که صرفاً بخش‌هایی از دیوارهٔ ضلع غربی آن پابرجاست و اثر اندکی از برج‌های بخش جنوبی و شرقی آن مشخص است (شکل‌های شمارهٔ ۱۳ و ۱۴). مصالح به کار رفته در برج‌ها و دیوارها قلوه‌سنگ با گچ نیم‌کوب بوده و در انتهای آنها سازه‌های سنگ‌چین با کاربری نامشخص ساخته شده است. به نظر می‌رسد قسمتی از این سازه‌های سنگی در امتداد راهرویی بوده که دور تا دور برج‌ها کشیده شده و احتمالاً در دوران اسلامی نیز از آن استفاده می‌شد.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-08]

[DOI: 10.22034/16.63.3]

شکل شمارهٔ ۱۳. تصویر هوایی بان‌قلعه (Google Earth, 2003)

شکل شمارهٔ ۱۴. نمایی از ضلع جنوبی بان‌قلعه با مصالح قلوه‌سنگی و ملاط گچی (نگارنده، ۱۴۰۱)

بنای چهارقاپی (چهارتاقی)

طبق نگاشته‌ها و تصاویر سیاحان و مورخان دو سدهٔ اخیر، بیشتر بخش‌های چهارتاقی تا اوایل قرن بیستم پابرجا بوده، اما پس از آن و به‌ویژه به علت تخریب‌های ناشی از جنگ تحمیلی، صرفاً فضای اصلی چهارتاقی باقی مانده است (شکل‌های شمارهٔ ۱۵ و ۱۶). بخش‌هایی از چهارقاپی در سال ۱۳۷۱ش. طی کاوش‌های هیئت ایرانی به سرپرستی آقای چگینی نمایان شد. نتایج این کاوش نشان داد که ساختمان بنا از قلوه‌سنگ و ملاط گچ ساخته شده و هیچ آرایهٔ مشخص

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-08]

[DOI: 10.22034/16.63.3]

معماری در آن به کار نرفته است. چهارتاقی با مجموعه‌ای از تأسیسات مذهبی، حاوی آتش‌دانی بود که آتش مقدس در آن شعله‌ور می‌شد. اتاق‌های پیرامون چهارتاقی به روحانیان، محل نذورات انبارها و احیاناً محل اسکان زوار تعلق داشت. این چهارتاقی از نوع آتشکده‌هایی بود که دالان طواف داشته، اما در زمان حال به‌طور کامل فرو ریخته است (مهرآفرین و احمدی هدایتی، ۱۳۹۰: ۷۹). در مورد ماهیت چهارقاپی نظرات متفاوتی مطرح شده است؛ برخی مانند گولینی (Gullini, 1964: 34-52) و زاره و هرتسفلد (Sarre and Herzfeld, 1910: 293) تنها فضای چهارتاقی را آتشکده‌ای از دوره ساسانی می‌دانند و برخی دیگر چون اردمان (Erdmann, 1941: 30-50)، واندنبرگ (۱۳۷۹: ۹۸–۱۰۰)، و بل (Bell, 1914: 44-51) چهارتاقی و مجموعه فضای پیرامون آن را آتشکده می‌دانند. برخی نیز آن را کلیسایی از خسروپرویز برای همسر مسیحی‌اش تصور کرده‌اند (هژبری، ۱۳۹۱). مهرآفرین و احمدی هدایتی (۱۳۹۰: ۸۰) با جمع‌بندی نظرات یادشده، معتقدند که این نوع چهارتاقی محل نیایش آتش برای عموم بوده که در دوره اسلامی بازسازی و در عین حال تغییر کاربری داده است؛ به این معنا که از یک مجموعه مذهبی به بنایی اداری تبدیل شده و پس از اشغال توسط عثمانیان، عشایر کوچ‌رو آن را به محلی برای نگهداری گله تبدیل کردند.

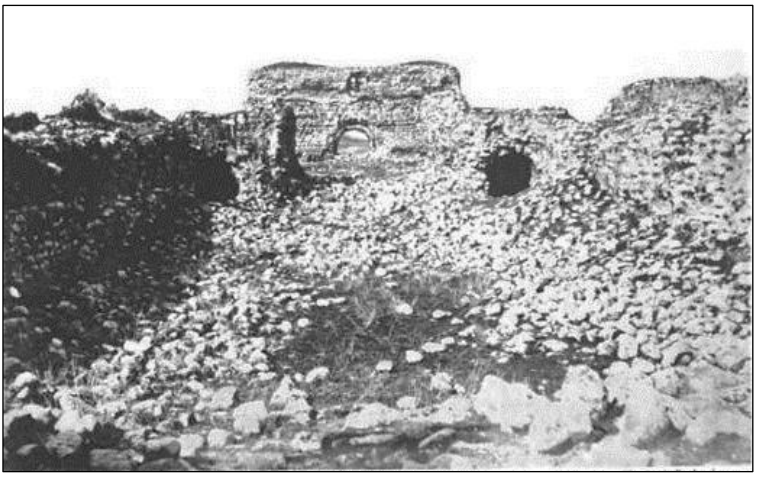

شکل شمارهٔ ۱۵. وضعیت بنای چهارقاپی در سال ۱۸۹۵م (De Morgan, 1895: 219)

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-08]

[DOI: 10.22034/16.63.3]

شکل شمارهٔ ۱۶. نمای امروزی چهارقاپی (نگارنده، ۱۴۰۱)

کاروان‌سرای شاه‌عباسی

تجارت در اواخر دوره ساسانی تا حد زیادی تحت تأثیر روابط سیاسی قرار گرفته بود؛ به همین دلیل بیشتر کالاها در مسیرهای مهم شرق به غرب از چند جاده مهم مبادله می‌شدند (دریایی، ۱۳۸۲: ۴۷). شاهراه‌های تجاری در شکل‌گیری شهرهای جدید واقع در مسیر خود بی‌تأثیر نبودند. از جمله بناهای معلول توسعه روابط تجاری، کاروان‌سراها بودند که در مسیر شاهراه خراسان به تعداد فراوان ساخته شدند. کاروان‌سرای قصرشیرین به منظور توجه به تأمین امنیت و استراحت تجار و کاروان‌های عازم عتبات عالیات، در دوره صفوی ساخته شد و در دوره‌های بعدی به‌ویژه قاجار و پهلوی مرمت و استفاده شد. کاروان‌سرای قصرشیرین به ابعاد ۶۰×۶۰ متر در میدان شهدا (مرزبانی) واقع شده و امروزه به بازار عرضه کالاهای سنتی و مورد نیاز مردم تبدیل شده است. به علت ناامنی و تعرض به کاروان‌های زائر، شاه سلطان‌حسین صفوی دستور به ساخت یا بازسازی کاروان‌سراهای متعددی در کرمانشاه داد و عایدات حاصل از آن را وقف عتبات عالیات کرد (قاضی، ۱۳۷۹: ۳۶–۳۷). در دورهٔ قاجار، نوسازی کاروان‌سراهای واقع در مسیر عتبات عالیات در سال ۱۲۸۷ق. نیز نمونه‌ای از توجه خاص ناصرالدین‌شاه به بهبود وضعیت این راه بوده است. طبق منابع دوره قاجار ناصرالدین‌شاه هنگام عزیمت به عتبات عالیات نوزده هزار تومان وجه نقد را برای بازسازی کاروان‌سراهای بیستون تا خانقین اختصاص داد (ادیب‌الملک، [بی‌تا]: ۱۳۶).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-08]

[DOI: 10.22034/16.63.3]

شکل شمارهٔ ۱۷. موقعیت چهار کاروان‌سرای مهم مسیر عتبات عالیات از بیستون تا قصرشیرین

(Google Earth, 2020 ؛ با تغییرات نگارنده)

معماری کاروان‌سرای شاه‌عباسی مشابه بسیاری از کاروان‌سراهای دیگر، از نوع حیاط‌دار با چهار ایوان در چهار سو، به همراه حجره‌ها، باربندها و اتاق‌هایی در اطراف حیاط و فضایی برای نگهداری احشام بود. نکته جالب توجه قرارگیری کاروان‌سراهای ماهیدشت، هارون‌آباد (اسلام‌آباد)، بیستون و شاه‌عباسی قصرشیرین در مسیر جاده خراسان یا عتبات عالیات بوده است و همزمان با ایجاد امنیت، رونق تجاری و توسعه راه‌های این مسیر، از توجه به ساخت کاروان‌سراها نیز باز نمانده بودند (شکل شمارهٔ ۱۷). جالب اینکه فاصلهٔ این کاروان‌سراها از یکدیگر تقریباً یکسان و حدود چهار فرسنگ بوده است (به‌جز فاصله کاروان‌سرای قصرشیرین تا هارون‌آباد). به نوشتهٔ فلاندن (۱۳۵۶: ۶۲)، کاروان‌سراهای نام‌برده به‌ویژه کاروان‌سرای ماهیدشت از مهم‌ترین و پررونق‌ترین اماکن اتراق کاروان‌ها در این مسیر بوده‌اند. در کنار کاروان‌سراها، چاپارخانه‌هایی نیز برای استفاده از اسب‌های تازه‌نفس (بایندر، ۱۳۷۰: ۴۲۵) و یک یا دو اتاق برای استراحت کاروانیان در نظر گرفته شده بود. علاوه بر کاروان‌سراهای خارج از شهر یادشده، کاروان‌سراهای درون‌شهری نیز در ایجاد امنیت مسیر عتبات عالیات مؤثر بودند.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-08]

[DOI: 10.22034/16.63.3]

کاوش بافت تاریخیِ محوطه ساحلی

آثار مدفون در زیر بافت تاریخی شهرها اطلاعات ارزشمندی از دوره‌های حیات آنها به‌دست می‌دهند. با این حال، بیشتر این آثار با ساخت و سازهای امروزی از بین می‌روند و بازسازی آنها به سختی ممکن می‌شود. طی مرداد و شهریور ۱۴۰۱ در محدوده موسوم به خیابان ساحلی- خیابان شهدا بافت تاریخی قصرشیرین و در مجاور کاروان‌سرای شاه‌عباسی، نگارنده اقدام به کاوش گسترده به منظور شناسایی، تعیین کاربری و گاه‌نگاری آثار معماری واقع در محدوده ضلع جنوبی شهر کرد. بر همین اساس، چهار ترانشه به ابعاد ۷×۷ متر (Tr.IV)، ۴×۵ (Tr.I و Tr.II) و ۴×۴ متر (Tr.III) انتخاب شدند که از این میان، اطلاعات ترانشه ۳ (Tr.III) در ارتباط با سازه تدافعی قابل توجه بود. آثار سه ترانشه دیگر مرتبط با بقایای بناهای تجاری؟، مسکونی و احتمالاً عام‌المنفعه (آسیاب؟) بود. مهم‌ترین و اصلی‌ترین یافتهٔ ترانشه ۳ (Tr.III) بقایای دیواری بلند و بسیار مستحکم به ارتفاع حدود ۴ متر و عرض ۶۰ سانتیمتر بود که سطح انتهایی آن بر روی خاک بکر (۴۰۲ سانتیمتر) بود. مصالح دیوار از آجر با گچ نیم‌کوب بسیار محکم ساخته شده بود (شکل شمارهٔ ۱۸). آجرها در قطعات سالم و شکسته به ابعاد ۳۹×۲۲، ۴۰×۴۰، ۴۰×۲۱، ۴۲×۳۰ و ۴۰×۲۰ سانتی‌متر بودند. نتایج حاصل از آزمایش سال‌یابی ترمولومینسانس دو نمونه از آجرهای این دیوار، انتساب آنها به قرون هشتم تا نهم قمری را تأیید می‌کند (حیدری باباکمال و دیگران، ۱۴۰۳). با توجه به بافت بسیار محکم دیوار ترانشه ۳، احتمالاً کارکرد تدافعی و ارتفاعی بیش از چهار متر داشته است. شکستگی آجرها و عدم استفاده از استاندارد مشخص در ساخت آنها، حاکی از بهره‌گیری از مصالح قدیمی‌تر در ساخت دیوار بوده است. به عبارت دیگر، آجرهای دیوار مربوط به بنای دیگری حدود قرون هفتم و هشتم بوده که با کاربری مجدد، احتمالاً در دوره قاجار استفاده شده‌اند.

با توجه به چالش‌های متعدد دولت قاجار با دولت عثمانی در حدود دو تا سه سدهٔ قبل، حیات مجدد شهر به علت رونق جادهٔ عتبات عالیات، عجله در ساخت دیوار با توجه به آجرهای نصفه به کار رفته در ساختار آن، مرزی بودن قصرشیرین و نیز قرارگیری کاروان‌سرا در ۴۹ متری ضلع شمال غربی آن، احتمال وجود دیوار تدافعی به دور شهر و یا به منظور محافظت از بناهای عام‌المنفعه مانند کاروان‌سرای شاه‌عباسی منطقی به نظر می‌رسد.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-08]

[DOI: 10.22034/16.63.3]

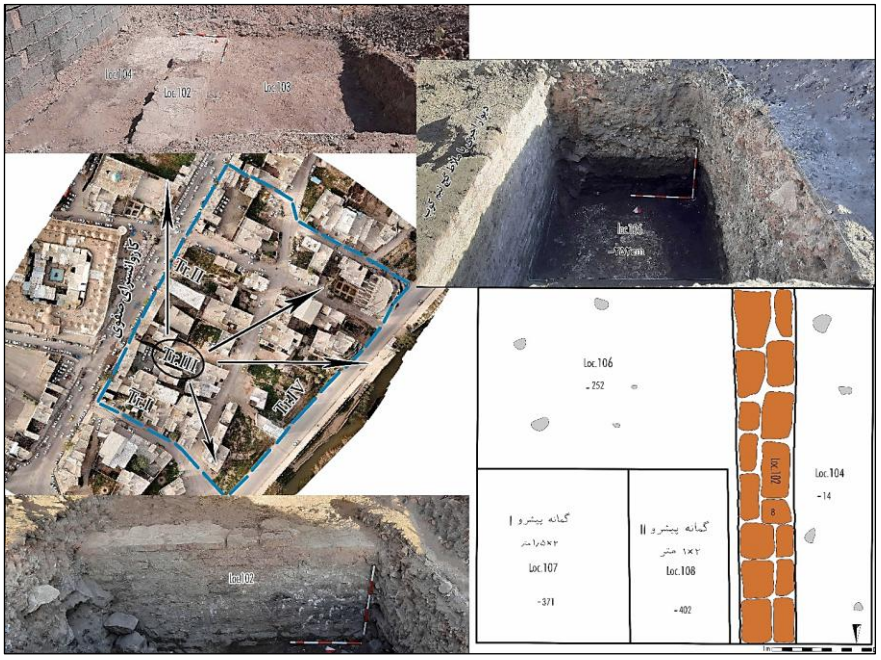

شکل شمارهٔ ۱۸. محدودهٔ کاوش خیابان ساحلی قصرشیرین و دیوار آجریِ بلند و مستحکم (Loc.102) ترانشه III
(نگارنده، ۱۴۰۱)

بحث و تحلیل

نام‌گذاری، اهداف ساخت و سازماندهی فضایی و کالبدی شهر قصرشیرین، مشابه بسیاری از شهرهای مهم زمانِ ساسانیان بوده است. در کنار عامل اقتصادی، عوامل دفاعی- نظامی، ارتباطی، موارد فرهنگی- علمی یا اداری، مذهبی، خدماتی و شرایط مساعد جغرافیایی، از مؤلفه‌های مؤثر در شکل‌گیری شهرهای دورهٔ ساسانی به شمار می‌روند. در کنار موارد نام‌برده، شاهان ساسانی همواره به منظور دفاع از قلمرو خود و تحکیم حاکمیت خویش، ساختن شهرهای مستحکم و تأمین امنیت آنها را به‌ویژه در نواحی مرزی در نظر داشتند. عوامل یادشده منجر به تشکیل ساختار نسبتاً استانداردی از شهرهای ساسانی، شامل ارک یا کاخ، مرکز دینی یا علمی، بازار و مرکز تجاری، حصار و بارو، شار میانی برای استقرار طبقه ممتاز و شار بیرونی مربوط به استقرار محله‌های مسکونی مردم، باغ‌ها و مزارع پراکنده (حبیبی، ۱۳۷۵: ۳۰) شد. شار بیرونی قسمت

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-08]
[DOI: 10.22034/16.63.3]

اصلی شهر را از نظر تراکم تشکیل می‌داد و هیچ‌گاه شکل ثابتی نداشت و در شهرهای گوناگون به اشکال مختلف بوده است (فریور صدری، ۱۳۸۰: ۶۱۵/۲). در کنار اهداف ساخت و سازماندهی شهر، موارد یادشده تا حدود زیادی در شهر قصرشیرین دوره ساسانی و تداوم استفاده از آن در دوران اسلامی قابل ردیابی است.

شهر نوبنیاد قصرشیرین با ساختار سلطنتی (ارک؛ کاخ خسرو)، دینی (چهارقاپی)، خدماتی و عمومی (نهر شاهگدار)، اداری- دولتی یا علمی؟ (بان‌قلعه)، تدافعی- نظامی و بارو (سربازخانه، قلعه‌گبری سید حاتم، اقامتگاه قراولان و برج و باروی شهر؟) در اواخر دوره ساسانی ساخته و پس از مدتی توسط هراکلیوس رومی تخریب شد. مطالعهٔ عناصر کالبدی شهر قصرشیرین در دوره ساسانی نشان می‌دهد که محدودهٔ دولتی و اداری از بخش‌های مذهبی و سلطنتی جدا بوده است؛ به این معنی که از زمان شکل‌گیری شهر ارتباط مکانی میان مقر سلطنتی شاه با شهر مستحکم نبوده و در خارج از آن قرار داشت. البته این وضعیت در مورد آتشکده به عنوان مکان مذهبی نیز صدق می‌کند.

نکته جالب توجه در مورد شهر کهن قصرشیرین، فقدان تأسیسات مرتبط با صنایع تولید سفال، فلز، شیشه، پارچه و یا حتی پیشرفت در آرایه‌های معماری مانند گچ‌بری، آجرکاری و یا کاشی‌کاری است. این موضوع بیانگر کارکردی غیر از شهری بزرگ، صنعتی و مولّد در دوران ساسانی و اسلامی است. بنابراین قصرشیرین صرفاً به خاطر موقعیت مهم ارتباطی، تجاری، سیاسی و استراتژیکی خود توانسته بود به عنوان مقری سلطنتی و موقتی در دوره ساسانی و منطقه مهم بازرگانی- ارتباطی در دوره اسلامی، حیات خود را تا زمان حال حفظ کند. البته به نظر می‌رسد قلمرو شهر در زمان رونق خود (اواخر دوره ساسانی) بیش از زمان کنونی بوده و بخشی از قلمرو آن احتمالاً تا داخل عراق امروزی (تا نزدیک کاخ هاوش‌کوری) امتداد داشته است. در کنار موارد یادشده، شرایط آب‌وهوایی معتدل و مناسب در فصول سرد سال همراه با زمین‌های کشاورزی حاصلخیز و دسترسی کافی به منابع آبی (رودخانه الوند یا حلوان) از جمله عوامل مهم طبیعی در توجه حکام به منطقه در دوران ساسانی و اسلامی بوده است.

براساس مطالعهٔ آثار و بقایای معماری یافته‌شده از قصرشیرین و تحلیل موقعیت فضایی آنها، می‌توان ساختاری نامنظم براساس توپوگرافی منطقه برای آن در نظر گرفت؛ به گونه‌ای که رودخانه الوند در ضلع جنوبی شهر در ارتفاعی به مراتب پایین‌تر نسبت به نهر شاهگدار قرار دارد. با توجه به نتایج حاصل از کاوش ترانشه‌های چهارگانه، به نظر می‌رسد تمرکز شار بیرونی و

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-08]

[DOI: 10.22034/16.63.3]

محله‌های مسکونی در قسمت جنوبی شهر بوده است. علاوه بر آن، ساختار شهر در جهت شمالی–جنوبی شکل گرفته که در آن کاخ خسرو در منتهی‌الیه ضلع شمالی به عنوان مقر سلطنتی در سطحی بالاتر از سایر فضاهای شهر و مشرف بر آنها ساخته شده است. وجود دیوار مستحکم یافته‌شده از کاوش ترانشه III محوطه ساحلی و طبق مینیاتور مطراقچی، باروی شهر با ۲۱ برج و دو دروازه در جهات شمالی و جنوبی (شکل شمارهٔ ۱۹) به عنوان سازه‌های تدافعی، احتمالاً مشابه باروی آن در دوره ساسانی بوده است. این احتمال مطرح است که دروازه‌ها در ضلع شمالی و جنوبی در امتداد مسیر و یا خیابان اصلی شهر مبتنی بر فرم آن از دوره ساسانی طراحی شده باشند. در کنار آنها رودخانه الوند به عنوان پدیدهٔ طبیعی در ضلع جنوبی و نهر شاهگدار علاوه بر کارکرد آبرسانی شاید به عنوان خندق؟ (حداقل در بخش‌هایی از آن) در ضلع شمالی سایر عناصری هستند که از دوره ساسانی اهمیت آنها در دوران اسلامی در ساختار شهر مشهود بوده است.

بسیاری از بناهای مربوط به دوره ساسانی مورد بحث در پژوهش و بسیاری از بناهای دیگری که تخریب شده‌اند، مطمئناً در دوران اسلامی با تغییر کاربری اندکی نسبت به بناهای پیش از اسلام استفاده می‌شدند. از جملهٔ این بناها یا آثار شاهراه بزرگ خراسان (بعدها جاده عتبات عالیات)، قلعه‌ها، دیوارها و برج و باروی بلند (دیوار آجری کاوش ترانشه III و حصار دوره صفوی در نقاشی مطراقچی) با هدف دفع حملات عثمانیان، ایجاد بناهای عام‌المنفعه (کاروانسرای شاه‌عباسی و نهر شاهگدار) تقریباً تداوم ویژگی‌ها و کارکردهای شهر قصرشیرین در دوره ساسانی بوده که تا زمان حال نیز همچنان ادامه دارد. تفاوت مهم شهر قصرشیرین دوره اسلامی با دوره ساسانی، در مکان‌یابی مسجد به عنوان یکی از ارکان کالبدی شهرهای اسلامی است. فقدان مسجد جامع یا بقایای آن هم‌ارز آتشکده چهارقاپی در دوران اسلامی، حداقل تا قبل از دوره صفوی در ساختار شهر مشهود است. البته وجود ادیان غیراسلامی، یارسان، علی‌اللهی، اقلیت یهودی، مسیحی و بهایی در قصرشیرین در کنار مذاهب شیعه و سنی مانع از ایجاد مسجد در مرکز یا بهترین نقطه شهر می‌شد. بنابراین به نظر می‌رسد هر یک از این ادیان بناهای مهم خود را در قالب مسجد یا مقبره به نمایش می‌گذاشتند.

نگارهٔ ارزشمند نصوح مطراقچی[1] مربوط به سال‌های ۹۴۰–۹۴۲ هـق (دوره صفوی) شاهدی بر این مدعاست (شکل شمارهٔ ۱۹). تصاویر این نگارهٔ کم‌نظیر واقعیت عناصر کالبدی و مهم شهر

1 Nasuh Matrakçı

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-08]

[DOI: 10.22034/16.63.3]

را به نمایش می‌گذارد که امروزه اثر چندانی از این بناها در دست نیست. در مرکز تصویر (احتمالاً آرامگاه؟) شخصیت برجسته‌ای و در سمت راست آن بنایی عام‌المنفعه (احتمالاً کاروان‌سرای شاه‌عباسی؟) با حجره‌ها و رواق‌های متعدد ترسیم شده است. در بالا و پایین کاروان‌سرا نیز دو بنای گنبددار (احتمالاً آرامگاه؟) بر روی تپه بلندی تصویر شده‌اند. در کنار بناهای یادشده حصار بلند و مستحکم چندضلعی با ۲۱ برج دفاعی مستطیلی در اطراف شهر کشیده شده و دو دروازه در جهات شمالی و جنوبی بارو تصویر شده‌اند.

در داخل حصار شهر دو رودخانه در جهت شرق به غرب (رودخانه الوند) و دیگری در جهت شمال شرقی (عبور از زیر دیوار حصار شمالی) به جنوب غربی (رودخانه دیره) جریان دارد که در منتهی‌الیه جنوب غربی حصار و خارج از آن به هم پیوسته‌اند. هندسه برج و باروی شهر در نگاره مطراقچی، مبتنی بر نقشه بدون طرحی از پیش تعیین شده بود. بنابراین می‌توان به فرم ارگانیک شهر قصرشیرین بر مبنای هندسه شهر پی برد.

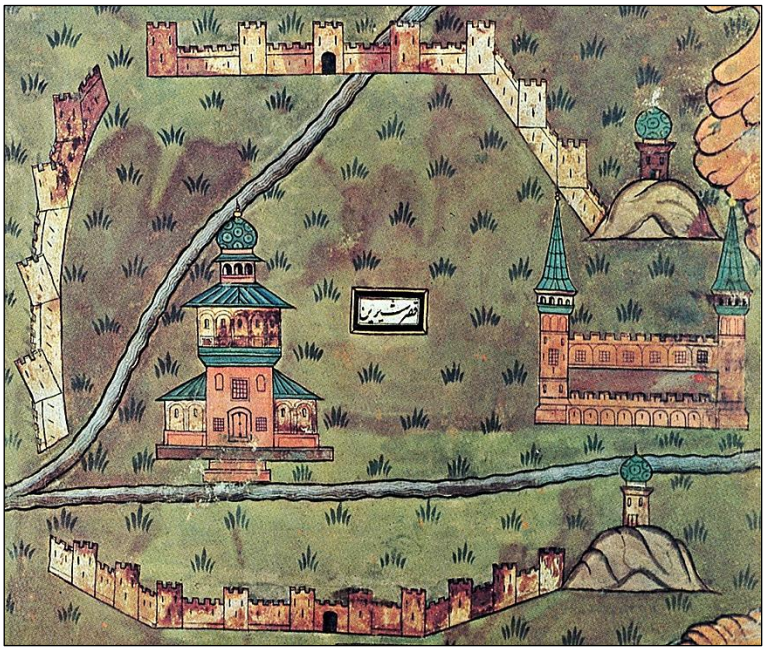

شکل شمارهٔ ۱۹. شهر قصرشیرین در نگاره مطراقچی (آرشیو رقومی دانشگاه شهید بهشتی، شماره بازیابی ۱۰۳۶۱۸)

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-08]

[DOI: 10.22034/16.63.3]

تفاوت مهم دیگر شهر قصرشیرین دوره اسلامی با دوره ساسانی، رشد قسمت مسکونی شهر در ضلع جنوبی آن به منظور اسکان مردم به نسبت تمرکز شهر در قسمت شمالی، یعنی اطراف کاخ خسرو یا چهارقاپی است. به عبارت دیگر، شار بیرونی محل فعالیت‌های اجتماعی- اقتصادی، بازار و محله‌ها در اطراف دروازه‌های اصلی شهر بود. این موضوع باعث افزودن کارکردهای خدماتی به شهر علاوه بر کارکرد ارتباطی و تجاری آن شده بود.

یکی دیگر از نقاط برجستهٔ تاریخی شهر قصرشیرین، مربوط به تحولات آن در دوران صفوی تا قاجار است. توسعه امپراتوری عثمانی و موارد ناشی از تعصب مذهبی ایرانیان با دولت عثمانی، علل اصلی کشمکش‌های میان دولت‌های صفوی و قاجار در ایران با دولت عثمانی بود که در مواردی منجر به درگیری‌ها و جنگ‌های خونین بین سرحدات مرزی دو کشور می‌شد. با این حال، روابط سیاسی ایران با عثمانی پس از معاهدهٔ ارزروم با تأسیس نمایندگی در خاک هم، رو به صلح گذاشت (نصیری، ۱۳۶۸: ۲۵۸). از این زمان به بعد به‌تدریج رونق روابط تجاری میان دو کشور و به تبع آن افزایش تقاضا برای زیارت عتبات عالیات موجب پویایی شهرهای واقع در این مسیر از جمله قصرشیرین به عنوان نخستین نقطهٔ ارتباطی در داخل خاک ایران گردید. به عبارتی نوسانات حاکی از صلح و یا درگیری میان صفویان و قاجارها با دولت عثمانی طی حدود چهار سده اخیر، فراز و نشیب‌هایی در رشد و یا رکود شهر قصرشیرین ایجاد کرده بود. ایجاد قلعه و برج و بارو در شهر، دیوارهای بلند و قطور در انواع آجری یا قلوه‌سنگی با ملاط گچ و بسیار مستحکم، گمرک مرزی و قرنطینه و مسائل و چالش‌های مربوط به حمل جنازه‌ها، ناشی از اختلاف با دولت عثمانی بود. در مقابل، ایجاد کاروان‌سراهای متعدد در مسیر ارتباطی قصرشیرین به بغداد و عتبات عالیات، بازسازی و توسعهٔ مسیر کهن جاده خراسان، ایجاد ساخت‌وسازهای جدید در میان شهر، توسعهٔ کشاورزی و ایجاد کانال‌ها و تأسیسات آبیاری، داد و ستد کاروان‌ها و ارائهٔ محصولات و فراورده‌های محلی، ارائهٔ خدمات به کاروانیان [به نوشته ادیب‌الملک ([بی‌تا]: ۶۳) عایدات ناشی از تعویض اسب‌های خسته با اسب‌های آماده]، ناشی از بهبود روابط بود و به تبع پویایی شهر را در پی داشت.

نتیجه‌گیری

قصرشیرین در دوره ساسانی با شرایط زیست‌محیطی و ارتباطی مساعد، توجه حاکمان زمان را به

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-08]

[DOI: 10.22034/16.63.3]

خود جلب کرده بود. حضور ساسانیان در منطقه و نگاه یکپارچهٔ آنان به قصرشیرین و خانقین تا تیسفون، با ایجاد آثار فراوان در این مناطق و رونق بیش از پیش آنها همراه شد. بنابراین تأمین امنیت مسیر ارتباطی سرپل‌ذهاب – قصرشیرین – خانقین – تیسفون حائز اهمیت فراوان شد. با ورود اسلام اگرچه منطقه مورد مطالعه به مانند قبل مورد توجه حاکمان نبود، اما جادهٔ بزرگ خراسان با نقش جدید و پررنگ تجاری، تا دورهٔ صفوی همچنان به رشد خود ادامه داد و در دوره قاجار کارکرد مذهبی، سیاسی و ارتباطی جاده یادشده با عنوان «عتبات عالیات» بیش از پیش نمایان شد.

تداوم جایگاه سیاسی و ارتباطی مهم قصرشیرین در دوره اسلامی، ساختار کالبدی و عناصر مهم شهری را مشابه دوره ساسانی نمایان می‌سازد؛ حصار مستحکم با برج‌های مستطیلی، دروازه‌های شمالی- جنوبی شهر، بناهای عام‌المنفعه (کاروان‌سرا)، آرامگاه شخصیت‌های مهم؟ و وجود خندق؟ به دور شهر، برخی از این عناصر می‌باشند. حصار و خندق؟ به دور شهر به منظور دفاع از شهر و ایجاد امنیت راه تجاری مهم بین‌النهرین به ایران در دوران ساسانی و اسلامی بوده است. نکتهٔ مهم دیگر مسئلهٔ تعیین حدود مرزی عثمانیان با ایرانیان، اهمیت قابل توجه مسیر عتبات عالیات با نقش محوری نقطه اتصال قصرشیرین با بین‌النهرین و موقعیت ممتاز اقتصادی عراق با اماکن مقدس تشیع آن همواره و از زمان صفوی تا انتهای قاجار مورد مناقشه دو دولت بود. بر این اساس، یکی از چالش‌های اساسی میان ایران و دولت عثمانی تسلط بر موقعیت استثنائی سیاسی و تجاری عراق و شاهراه آن بود. البته حضور کاروان‌ها و زائران ایرانی در عراق به خاطر سود سرشار برای عثمانیان کاملاً جنبه مثبت داشت و از سوی دیگر باعث افزایش قدرت و نفوذ شیعیان در عراق و ایجاد خطر برای دولت عثمانی می‌شد. نتایج دیگر پژوهش نشان داد که سیاست‌های شاهان ساسانی و بعد از آن حاکمان اسلامی در ساخت بناهای قصرشیرین، ارتباط مستقیمی با کارکرد شهر داشته است. به عبارت دیگر، با توجه به کارکرد ارتباطی و مقر سلطنتی شهر در دوره ساسانی، عمده مصالح استفاده‌شده در ساخت بناها، قلوه‌سنگ و یا لاشه‌سنگ با ملاط گچ بوده است و کمتر از آجر بهره گرفته می‌شد. در مقابل و با توجه به شرایط سیاسی و چالش‌های موجود با دولت عثمانی در قصرشیرین، به‌ویژه از قرون هشتم و نهم قمری (اواخر ایلخانی و دوره تیموری) تا اواخر قاجار، نیاز به ساخت بناهای مستحکم تدافعی، برج‌های مستطیلی و حصار چندضلعی مستحکم، کاروان‌سراها و گمرک بیش از پیش لازم به نظر می‌رسید؛ به همین

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-08]

[DOI: 10.22034/16.63.3]

دلیل در این زمان بیشتر بناهای مهم از آجر با ملاط گچ ساخته می‌شدند.

منابع و مآخذ

- ابن‌بلخی (۱۳۶۳)، *فارسنامه*، به تصحیح گای لسترنج و رینولد آلن نیکسون، تهران: دنیای کتاب.
- ابن‌حوقل، ابوالقاسم محمد (۱۳۶۶)، *سفرنامه ابن‌حوقل (ایران در صورة الارض)*، ترجمه جعفر شعار، تهران: امیرکبیر.
- ابن‌خردادبه، ابوالقاسم عبیدالله‌بن عبدالله (۱۳۷۱)، *مسالک و ممالک*، ترجمه سعید خاکرند، تهران: مؤسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل.
- ابن‌رُسته، احمدبن عمر (۱۳۶۵)، *الاعلاق النفیسه*، ترجمه حسین قره‌چانلو، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ابن‌فضلان‌بن عباس، احمد (۱۳۸۰)، *سفرنامه*، به ویراستاری منوچهر دانش‌پژوه، تهران: نشر ثالث.
- ابن‌فقیه، ابوبکر احمدبن اسحاق همدانی (۱۳۴۹)، *البلدان*، ترجمه: ح. مسعود، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابودلف، مسعربن المهلهل (۱۳۵۴)، *سفرنامه ابودلف در ایران؛ با تعلیقات و تحقیقات والدیمیر مینورسکی*، ترجمه سید ابوالفضل طباطبایی، تهران: انتشارات زوار.
- احمدی هدایتی، ابراهیم (۱۳۸۷)، «باستان‌شناسی قصرشیرین در دوره ساسانی»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه تهران.
- ادیب‌الملک [بی‌تا]، *سفرنامه ادیب‌الملک*، تصحیح مسعود گلزاری، تهران: دادجو.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌بن علی (۱۳۶۳)، *المآثر و الآثار؛ در چهل سال تاریخ ایران*، ج۱، تهران: اساطیر.
- الیویه، گیوم آنتوان، (۱۳۷۱) *سفرنامه الیویه: تاریخ اجتماعی- اقتصادی ایران در عصر قاجار*، ترجمه محمد طاهر میرزا، تصحیح غلامرضا ورهرام، تهران: اطلاعات.
- افضل‌الملک، غلامحسین (۱۳۸۴)، *سفرنامه قم*، تصحیح و تحقیق زهرا اردستانی، قم: انتشارات زائر.
- اوبن، اوژن (۱۳۶۲)، *ایران امروز*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: زوار.
- اوتر، ژان (۱۳۶۳)، *سفرنامه ژان اوتر*، ترجمه علی اقبال، تهران: جاویدان.
- بایندر، هنری (۱۳۷۰)، *کردستان، بین‌النهرین و ایران*، ترجمه کرامت‌الله افسر، تهران: فرهنگسرای یساولی.
- بروگش، هنریش (۱۳۶۷)، *سفری به دربار صاحقران*، ترجمهٔ حسین کردبچه، تهران: اطلاعات.
- پیرنیا (مشیرالدوله)، حسن [بی‌تا]، *تاریخ ایران از آغاز تا انقراض ساسانیان*، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: خیام.
- پیرنیا، محمدکریم و کرامت‌الله افسر (۱۳۵۰)، *راه و رباط*، تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۸۲)، *سبک‌شناسی معماری ایرانی*، تهران: پژوهنده.
- چریکف، واسیلی ایوانویچ (۱۳۷۹)، *سیاحت‌نامه مسیو چریکف*، ترجمه آبکار مسیحی، تهران: امیرکبیر.
- حبیبی، سید محسن (۱۳۷۵)، *از شار تا شهر*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-08]

[DOI: 10.22034/16.63.3]

- *حدود العالم من المشرق الی المغرب* (۱۳۷۲)، ترجمه میرحسن شاه، تهران: دانشگاه الزهراء.
- حیدری باباکمال، یداله (۱۴۰۱)، *گزارش کاوش محوطه خیابان ساحلی (کاوش آثار معماری محوطه ساسانی- اسلامی خیابان شهدا و خیابان ساحلی قصرشیرین، کرمانشاه)*، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری کشور.
- حیدری باباکمال، یداله، یاسر حمزوی و مولودالسادات عظیمی (۱۴۰۳)، «ارزیابی گاه‌نگاری یافته‌های معماری محوطه ساحلی در بافت تاریخی قصرشیرین با تکیه بر نتایج سالیابی ترمولومینسانس»، *پژوهه باستان‌سنجی* [در دست چاپ].
- دریایی، تورج (۱۳۸۲)، *تاریخ و فرهنگ ساسانی*، ترجمهٔ مهرداد قدرت دیزجی، تهران: ققنوس.
- دلاواله، پیترو (۱۳۷۱)، *سفرنامه*، ترجمه شعاع‌الدین شفا، تهران: علمی و فرهنگی.
- دمرگان، ژاک (۱۳۳۹)، *هیئت علمی فرانسه در ایران (مطالعات جغرافیایی)*، ترجمه کاظم ودیعی، ج۲، تبریز، نشر هنر.
- زمانی، عباس (۱۳۸۹)، *تأثیر هنر ساسانی در هنر اسلامی*، تهران: اساطیر.
- سبحانی، نریمان (۱۳۸۰)، *شهر باستانی قصرشیرین*، کرمانشاه: مؤسسه فرهنگی، هنری و سینمایی کوثر.
- سرفراز، علی‌اکبر و بهمن فیروزمندی (۱۳۸۱)، *باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی*، تهران: مارلیک.
- سلطانی، محمدعلی (۱۳۸۱)، *جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان*، ج۱، تهران: سها.
- سیف‌الدوله، سلطان محمد (۱۳۶۴)، *سفرنامه سیف‌الدوله*، تصحیح و تشحیح علی‌اکبر خداپرست، تهران: نی.
- شراتو، امبرتو و ماریو بوسایلی (۱۳۸۳)، *تاریخ هنر ایران (۲): هنر پارت و ساسانی*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات مولی.
- صفی‌زاده، فاروق (۱۳۹۵)، *جاده باستان*، تهران: مدحت.
- طبری، ابوجعفر محمدبن جریر (۱۳۵۳)، *تاریخ طبری*، ترجمهٔ ابوالقاسم پاینده، ج۱، تهران: اساطیر.
- عبدلی‌فرد، فریدون (۱۳۸۳)، *چاپارخانه‌ها و راه‌های چاپاری در ایران*، تهران: هیرمند.
- غلامی، صبا، رضا مهرآفرین و رسول موسوی حاجی (۱۴۰۰)، «پژوهشی بر چگونگی شکل گرفتن شهرک‌های ساسانی، با تکیه بر رهیافت باستان‌شناسی لندسکیپ (مطالعه موردی: کلار، قصرشیرین و گیلان‌غرب)»، *نشریه جستارهای باستان‌شناسی ایران پیش از اسلام*، س۶، ش۱، صص۱۸۱-۱۹۸.
DOI: https://doi.org/10.22034/IAEJ.2022.11203
- فرید، یدالله (۱۳۷۱)، *جغرافیا و شهرشناسی*، تبریز: دانشگاه تبریز.
- فریور صدری، بهرام (۱۳۸۰)، «بافت و ساختار فضایی شهرهای سنتی ایران»، مجموعه *مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ارگ بم-کرمان*، ج۴، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، صص۶۱۵-۶۵۸.
- فلاندن، اوژن (۱۳۵۶)، *سفرنامه*، ترجمه حسین نورصادقی، تهران: اشراقی.
- قاضی، محمد شریف (۱۳۷۹)، *زبدة التواریخ سنندجی*، به کوشش محمد رئوف توکلی، تهران: توکلی.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-08]

[DOI: 10.22034/16.63.3]

- قلقشندی، احمدبن علی (۱۳۸۰)، *جغرافیای تاریخی ایران*، ترجمه محجوب الزویری، تهران: وزارت امور خارجه.
- کریستین‌سن، آرتور امانوئل (۱۳۸۶)، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران: دبیر.
- لسترنج، گای (۱۳۶۷)، *جغرافیای تاریخی خلافت سرزمین‌های شرقی*، ترجمه محمود عرفان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- *مجمل التواریخ و القصص* (۱۳۱۸)، به تصحیح ملک‌الشعراء بهار، تهران: کلاله خاور.
- مرادی، یوسف (۱۳۹۱)، «عمارت خسرو در پرتو نخستین فصل کاوش‌های باستان‌شناختی»، *مجموعه مقالات در پاسداشت مسعود آذرنوش (نامورنامه)*، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۶۲)، ***نزهة القلوب***، تهران: دنیای کتاب.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۷۱)، *جغرافیای تاریخی ایران باستان*، تهران: دنیای کتاب.
- مهرآفرین، رضا و ابراهیم احمدی هدایتی (۱۳۹۰)، «چهارقاپی، آتشکده‌ای در کوست خوربران»، *باغ نظر*، س۱۸، ش۸، صص ۷۵-۸۱. https://www.bagh-sj.com/article_465.html
- مهرآفرین، رضا (۱۳۹۳)، *شهرهای ساسانی*، تهران: سمت.
- ناصرالدین‌شاه قاجار (۱۳۶۲)، *سفرنامه عتبات ناصرالدین‌شاه قاجار*، به کوشش ایرج افشار، تهران: فردوسی.
- نصیری، محمدرضا (۱۳۶۸)، *اسناد و مکاتبات تاریخی ایران*؛ دوره افشاریه، گیلان: جهاد دانشگاهی.
- نظامی، الیاس‌بن یوسف (۱۳۹۳)، *خمسه (پنج گنج) نظامی*، تهران: سپاس.
- نفیسی، سعید (۱۳۸۸)، *تاریخ تمدن ایران ساسانی*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- نیر نوری، حمید (۱۳۷۹)، *سهم ایران در تمدن جهان*، تهران: فردوس.
- واندنبرگ، لویی (۱۳۷۹)، *باستان‌شناسی ایران باستان*، ترجمه عیسی بهنام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- ویلز، چارلز جیمز (۱۳۶۸)، *ایران در یک قرن پیش*، ترجمهٔ غلامحسین قراگزلو، تهران: اقبال.
- هرتسفلد، ارنست (۱۳۸۱)، *ایران در شرق باستان*، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، کرمان: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- هژبری، علی (۱۳۹۱)، «پیشنهادی برای تعیین کاربری بنای چهارقاپی قصرشیرین»، *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، س۳، ش۲، صص ۱۵۳-۱۷۲. https://nbsh.basu.ac.ir/article_450.html
- هوگی، هانس (۱۳۸۰)، *قلعه دختر- کاخ اردشیر*، ترجمهٔ فرزین فردانش، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- یعقوبی، ابن‌واضح احمد بن یعقوب (۱۳۸۱)، *البلدان*، ترجمه ابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی.

منابع لاتین

- Alibaigi, Sajjad (2019), "The Gawri Wall: a possible Partho-Sasanian structure in the western foothills of the Zagros Mountains", *Antiquity*, Vol.93, No.370, pp.1-8.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-08]

[DOI: 10.22034/16.63.3]

DOI: https://doi.org/10.15184/aqy.2019.97.
- Andaroodi, Elham, Frederic, Andres, Alireza, Einifar and Noriko, Kando, (2006), "Ontology-based shape-grammar schema for classification of caravanserais: a specific corpus of Iranian Safavid and Ghajar open, on-route samples", *Journal of Cultural Heritage*, Vol.7, No.4, pp.312-328. DOI: https://doi.org/10.1016/j.culher.2006.08.002.
- Ateş, Sabri (2013), *Ottoman-Iranian borderlands: Making a boundary 1843–1914*, Cambridge University Press.
- Bell, Gertrude Lowthian (1914), *Palace and Mosque at Ukhaidir*, London, Oxford.
- Casana, Jesse & Glatz Claudia (2017), "The Land Behind the Land Behind Baghdad: Archaeological landscapes of the Upper Diyala (Sirwan) River Valley", *IRAQ,* Vol.79, pp. 47-69. DOI: https://doi.org/10.1017/irq.2017.3.
- Clapp, Frederick G. (1927), *Qaṣr-e Shīrīn (Iran), ruins of ancient castle*, Digital publisher: University of Wisconsin-Milwaukee Libraries, https://bit.ly/2A3246m (accessed June 3, 2020)
- Clapp, Frederick G. (1934), *Qaṣr-e Shīrīn (Iran), view of buildings on the waterfront*, Digital publisher: University of Wisconsin-Milwaukee Libraries, https://bit.ly/2BY3904 (accessed June 11, 2020).
- De Morgan, Jacques (1895), *Mission scientifique en Perse* (Vol. 5). Leroux.
- Erdmann, Kurt (1941), *Das Iranica Feuerheiligtum*, Berlin, Germany.
- Gullini, Giorgio (1946), *Architettura Iranica dagli Achemenidi ai Sasanidi: Il Palazzo di Kuh-i Kwagia*, Einaudi and Turin.
- Le Strange, Guy (1905), T*he lands of the Eastern caliphate: Mesopotamia, Persia, and central Asia, from the Moslem conquest to the time of Timur* (Vol. 4), CUP Archive.
- Matrakcī, Nasuh (1976), *Beyân-i Menâzil-i Sefer-i Irâkeyn-i Sultan Süleyman Han. Hüseyin G. Yurdaydın*, Ankara: Türk Tarih Kurumu.
- Panahipour, Mitra (2019), "Land Use and Environment in a Zone of Uncertainty: A Case of the Sasanian Expansion in Eastern Iraq – Western Iran", *Iran*, Vol.59, No.1, pp.90–108. https://doi.org/10.1080/05786967.2019.1657781
- Sarre, Friedrich & Ernst Herzfeld (1910), *Iranische Felsreliefs*, Berlin, Germany.

List of Sources with English Hnadwriting (Transliteration)

- Ibnu'l-Balkhı (1984), *The Farsnama of Ibnu'l-Balkhı*, ed. G. Le Strange, R.A. Nicholson, Tehran: Donyaye ketab. **[In Persian]**
- Ibn Hawqal, Muḥammad Abū'l-Qāsim (1966), *Sūrat al-'Ard*, Translated by Ja'far Shoar, Tehran: Bonyad e Farhang e Iran Publication. **[In Persian]**
- Ibn Khurradādhbih, Ubayd Allāh ibn Abd Allāh (1992), *Al-Masālik Wa L-Mamālik*, Translated by Saeid Khakrand, Tehran: Institute for Historical Studies and Publications of the Heritage of Nations. **[In Persian]**
- Ibn Rusta, Abu ʿAlī Aḥmad (1986). *Al-Aʿlāq al-nafīsa*, Translated by Hosein Qara

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-08]

[DOI: 10.22034/16.63.3]

Chanlu, Tehran: Amir Kabir Publications. **[In Persian]**
- Ibn Faḍlān, Ahmad (2001), *Travelogue*, Daneshpajoh, Manouchehr (Eds), Tehran: Sales. **[In Persian]**
- Ibn al-Faqīh, Abūʿ Abd-Allāh Ahmad (1970), *Aḵbār al- boldān*, translated by H. Massoud, Tehran. Bonyad e Farhang e Iran Publication. **[In Persian]**
- Abu Dulaf, Mis'ar ibn Muhalhil's (1975), *Abu Dulaf Travels in Iran*, Comments and Research by Vladimir Minorsky, Translated by Abolfazl Tabatabai, Tehran: Zovvar Publications. **[In Persian]**
- Ahmadi Hedayati, Ebrahim (2008), *Archaeology of Qasr-e-Shirin during the Sassanid period*, unpublished master's thesis in archaeology, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran. **[In Persian]**
- Adib al Molk (No date), *Adib al-Molk's travelogue*, Golzari, Masoud (Eds), Tehran: Dadjou Publications. **[In Persian]**
- Eʿtemād-al-Salṭana, Moḥammad Ḥasan khan (1984), *Maʾāṯer wa'l-āṯār*; *In Forty Years of Iranian History*, Vol. 1, Tehran: Asatir. **[In Persian]**
- Afzal Al-Molk, Gholam Hosein (2005), *Travelogue of Qom*, edited and researched by Zahra Ardestani, Qom: Zaer Publications. **[In Persian]**
- Aubin, Eugene (1983), *La Perse d'aujourd'hui Iran Mésopotamie,* Translated by Ali Asghar Saeidi, Tehran: Zovvar Publications. **[In Persian]**
- Olivier , Guillaume Antoine (1992), *The Social-Economic History of Iran in the Qajar Period*, translated by Mohammad Taher Mirza, revised by Gholam Reza Varhrām, Tehran: Etelaāt. **[In Persian]**
- Otter, Jean (1984), *Voyage en turquie et en pesle, avec une: relation des expeditions de tahmas kaulikan*, Translated by Ali Eqbali, Tehran: Javidan Publications. **[In Persian]**
- Binder, Henry (1991), *Kurdistan, Mesopotamia and Perse*, Translated by Keramatollah Afsar, Tehran: Yassavoli Publications. **[In Persian]**
- Brugsch, Heinrich Karl (1988), *Reise Der K. Preussischen Gesandtschaft nach Persien 1860 und 1861*, Translated by Hosein Kurdbacheh, Tehran: Ettela'at. **[In Persian]**
- Pirnia (Moshir-al-Dawlah), Hassan [No Date], *History of Iran from the beginning to the extinction of the Sassanid*, Dabirsiyaghi, Mohammad (Eds), Tehran: Khayyam. **[In Persian]**
- Pirnia, Mohammad Karim and Afsar, Keramatollah (1977), *Road and Rebat*, Tehran: Ministry of Culture and Arts. **[In Persian]**
- Pirnia, Mohammad Karim (2003), *Stylistics of Iranian Architecture*, Tehran: Pajouhandeh. **[In Persian]**
- Chuikov, Vasiliĭ Ivanovich (2000), *Travelogue of Monsieur Chuikov*, Translated by Abkar Masihi, Tehran: Amir Kabir. **[In Persian]**
- Habibi, Sayed Mohsen (1996), *Az Shar ta Shahr [From Shar to City]*. Tehran: University of Tehran. **[In Persian]**
- *Ḥudūd Al-ʿĀlam Min al-Mashriq Ila al-Maghrib* (1993), Translated by Mirhasan Shah,

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-08]

[DOI: 10.22034/16.63.3]

Tehran: Alzahra University. **[In Persian]**
- Heidari Babakamal, Yadollah (2022), *Report on the excavation of the Saheli street*, Tehran: Archaeological Research Institute, National Cultural Heritage and Tourism Research Institute. **[In Persian]**
- Heidari Babakamal, Yadollah, Yaser Hamzavi and Moloudsadat Azimi (2024), "The Chronology of the architectural remains of the Saheli Street in the historical context of Qasr-e Shirin by Thermoluminescence method", *Journal of Research on Archaeometry,* in press. **[In Persian]**
- Daryaee, Touraj (2003), *Sasanian History and Culture*, Translated by Mehrdad Qodrat Dizji, Tehran: Qoghnous. **[In Persian]**
- Della Valle, Pietro (1991), *Cose e parole nei viaggi di pitro della valle*, Translated by SHoaāe aldin. Shafa, Tehran: Elmi o Farhangi Publications. **[In Persian]**
- De Morgan, Jacques (1960), Mission Scientifique en perse, translated by Kazem Vadiei, Vol.2. Tabriz: Honar Publications. **[In Persian]**
- Zamani, Abbas (2010), *The Influence of Sasanian Art on Islamic Art*, Tehran: Asatir. **[In Persian]**
- Sobhani, Nariman (2001), *The Ancient City of Qasr-e-Shirin, Kermanshah*, Kosar Cultural, Artistic and Cinematic Institute. **[In Persian]**
- Sarfaraz, Ali Akbar and Bahman Firouzmandi (2002), *Archaeology and Art of the Historical Period*, Tehran: Marlik. **[In Persian]**
- Soltani, Mohammad Ali (2002), Geographical History and Comprehensive History of Kermanshahan, Vol. 1, Tehran: Sohā Publications. **[In Persian]**
- Seif al-Dawlah, Sultan Mohammad (1985), *Seif al-Dawlah's Travelogue*, edited and corrected by Ali Akbar Khodaparast, Tehran: Ney. **[In Persian]**
- Scerrato, Umberto and Mario Bussagli (2004), *History of Persian Art (2): Parthian and Sassanian Art.* Translated by Yaqub Azhand. Tehran: Mo'la Publications. **[In Persian]**
- Safizadeh, Faroogh (2016), *Ancient Road,* Tehran: Medhat. **[In Persian]**
- Ṭabarī, Abū Jaʿfar Muḥammad ibn Jarīr (1974), *The History of al-Ṭabarī*, Translated by Abul-Qasem Payandeh, 16 volumes, Vol.1, Tehran: Asatir. **[In Persian]**
- Abdolifard, Fereydoun (2004), *The chapar Khanahs and chapar roads in Iran*, Tehran: Hirmand. **[In Persian]**
- Gholami, Saba, Reza mehrafarin, and sayed rasoul moosavi haji (2021), "A study on How Sassanid Settlements Based on the Landscape Archaeological Approach) Case Study: Clare, Qasr-e Shirin, Gilan-e Gharb)", *Journal of Iran's Pre-Islamic Archaeological Essays*, Vol.6, No.1, pp. 181-198.
  DOI: https://doi.org/10.22034/IAEJ.2022.11203 **[In Persian]**
- Farid, Yadolah (1992), *Geography and Urbanism*, Tabriz: University of Tabriz. **[In Persian]**
- Farivar Sadri, Bahram (2002), "Historical Context and Spatial Structure of Traditional Iranian Cities", *Second Congress on the History of Architecture and Urban Planning of*

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-08]

[DOI: 10.22034/16.63.3]

the Bam Citadel - Kerman, Tehran: Cultural Heritage and Tourism Organization. Year 2, Vol. 4, pp. 615-658. **[In Persian]**

- Flandin, Eugene (1977), *Voyage en perse*, translated by Hossein Noor Sadeghi, Tehran: Eshraghi
- Qazi, Mohammad Sharif (1990), *Zobde al-Tawarikh Sanandaj*, edited by Mohammad Rauf Tavakoli, Tehran: Tavakoli. **[In Persian]**
- Qalqashandī, Alī ibn Aḥmad (2001), *Historical Geography of Iran*, Translated by Mahjoub Al-Zawairi, Tehran: Ministry of Foreign Affairs. **[In Persian]**
- Christensen, Arthur (2007), *L'Iran sous les sassanides*, Translated by Rashid Yasemi, Tehran: Dabir. **[In Persian]**
- Le Strange, Guy (1988), *The lands of the eastern caliphate*, translated by Mahmoud Erfan, Tehran: Elmi o Farhangi Publications. **[In Persian]**
- *Mojmal al-tawārīḫ Wa'L-qeṣaṣ* (1939), edited by Malik al-Shu'ara Bahar, Tehran: Kalaleh Khavar. **[In Persian]**
- Moradi, Yousef. (2012) Emarat-e Khosrow in View of the First Season of Archaeological Excavations Archaeological Excavations, Collection of Articles in Honor of Masoud Azarnoosh (Namorname), Tehran: Cultural Heritage Organization. **[In Persian]**
- Mustawfī, Hamdallah (1983), *Nozhat al-Qulub*, Tehran: Donyaye Ketab. **[In Persian]**
- Mashkoor, Mohammad Javad (1992), *Historical Geography of Ancient Iran*, Tehran: Donyaye Ketab. **[In Persian]**
- Mehrafarin, Reza and Ebrahim Ahmadi Hedayati (2011), "Chahār Qāpi, a Fire Temple in Khurbarān Kust (Sassanid's Western State)", Bagh-*e Nazar*, Vol. 8, No.18, pp. 75-81. https://www.bagh-sj.com/article_465.html **[In Persian]**
- Mehrafarin, Reza (2014), *The Sassanid Cities*, Tehran: Samt. **[In Persian]**
- Naser al-Din Shah Qajar (1983), *Naser al-Din Shah Qajar's Travelogue of the Holy Shrines*, Edited by Iraj Afshar, Tehran: Ferdowsi. **[In Persian]**
- Nasiri, Mohammad Reza (1989), *Historical Documents and Correspondences of Iran; Afsharid Period*, Gilan: Jihad Daneshgahi. **[In Persian]**
- Nezami, Elias ibn Yosef (2014), *Khamseh (Five Treasures) of Nezami*, Tehran: Sepah. **[In Persian]**
- Nafisi, Saeed (2009), *History of Sasanian Civilization*, Tehran: Bongah-e Tarjome va Nashr-e Ketāb. **[In Persian]**
- Nirnuri, Hamid (1990), *Iran's Contribution to World Civilization*, Tehran: Ferdows. **[In Persian]**
- Vandenberghe, Louis (2000), *Archeologie de L'Iran ancient*, Translated by Eisa Behnam, Tehran: Tehran University. **[In Persian]**
- Wills, Charles James (1989), *The Land of the lion and the sun, or, modern Persia*, translated by Gholamhosein Qaragazlu, Tehran: Iqbal. **[In Persian]**
- Herzfeld, Ernst Emil (2002), *Iran in the Ancient East*, translated by Homayoun Sanatizadeh, Kerman: Institute of Humanities and Studies, Shahid Ba Honar University of

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-08]

[DOI: 10.22034/16.63.3]

Kerman. **[In Persian]**

- Hozhabry, Ali (2013), "A Proposal on the Identification of Charqapi Monument of Qasr-e Shirin (1): Historical Study." *pazhoheshha-ye Bastan shenasi Iran,* Vol.2, No.3, pp. 153-172. https://nbsh.basu.ac.ir/article_450.html **[In Persian]**
- Hoggie, Hans (2001), *Castle of Ardeshir Palace*, translated by Farzin Fardanesh, Tehran: Cultural Heritage Organization. **[In Persian]**
- Ya'qubi. Abu Abbas (2002), Al-Baladan. Translated by. Ebrahim Ayati, Tehran: Elmi o Farhangi Publications. **[In Persian]**

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-08]

[DOI: 10.22034/16.63.3]